

رسالة محمد

حجاب، مدخل گفتگویی زن در اسلام

حجت الاسلام و المسلمین سوزنچی

ایام فاطمیه

۱۲ الی ۱۵ آذرماه ۱۴۰۱

بیات یناق باشد

فهرست

جلسه اول.....	۶
تبیین کلی موضوع.....	۶
مقدمه اول: تأثیر شرایط خاص بر اهمیت مسائل.....	۶
مثال تنباکو.....	۶
تطبیق مسئله ی حجاب.....	۷
حجاب، حکم ضروری و قطعی اسلام.....	۷
دلایل اهمیت حجاب در شرایط خاص امروز.....	۸
مسئله هویتی، دلیل اول: حجاب ، یک نماد.....	۸
حجاب و کنشگری زن.....	۱۱
مقدمه دوم: راهکارهای شریعت برای تعلیم ساده و عمیق.....	۱۲
مثالی برای فهم صحیح قواعد کلی.....	۱۲
حدیث حضرت زهرا(س):دبیان قاعده عدم اختلاط زن و مرد، نه پرده‌نشینی زن.....	۱۲
حجاب، یعنی جدی بودن حضور زن در جامعه.....	۱۲
جلسه دوم.....	۱۴
مقدمه و مروری بر جلسه گذشته.....	۱۴
دلیل اول هویتی: حجاب، نماد تصویری.....	۱۴
دلیل دوم هویتی: فمینیسم.....	۱۵
فمینیسم، جریان‌ی مردسالار.....	۱۵
مردآفرینی، نقش غیرمستقیم زن.....	۱۵
نقش مستقیم زن در جامعه.....	۱۶
به جای دفاع از حجاب، با حجاب، حمله کنید.....	۱۷
الگوی اسلام برای کنشگری زن.....	۱۸

قانون، بدون اجبار	۱۹
جمع بندی دو دلیل هویتی	۱۹
عامل سوم هویتی: انقلاب جنسی	۱۹
فرهنگ جهانی پوشش تا قبل از انقلاب جنسی	۱۹
مقابله مسلمین با انقلاب جنسی	۲۰
حجاب، پشتوانه حیا	۲۰
عامل چهارم هویتی: سرمایه جنسی	۲۱
ورود ادبیات سرمایه جنسی در غرب	۲۱
معنای سرمایه جنسی	۲۱
جلسه سوم	۲۳
مقدمه: امتحان الهی و بار امانت	۲۳
مروری بر جلسات گذشته	۲۳
عصر نمادهای تصویری	۲۴
فمینیسم و کنشگری زن	۲۴
حجاب از منظر عرفان اسلامی	۲۵
عمل به دستور خدا، فناء فی الله	۲۶
نظام سرمایه‌داری	۲۸
ارزشمندی سرمایه در نظام سرمایه داری و بی ارزش شدن انسان	۲۹
سرمایه جنسی	۳۰
نهی از منکر در فضای کرامت	۳۱
مقابله حجاب با دو الگوی غربی	۳۲
جلسه چهارم	۳۳
مروری بر مباحث گذشته	۳۳

- حجاب اجباری یا قانونی؟ ۳۴
- اقتصاد، عرصه قوانین غیر کیفری ۳۵
- قیمت گذاری در فقه ۳۵
- حجاب، قانون مدنی ۳۶
- مجازات کیفری برای سه گروه خاص ۳۶
- فرهنگ‌سازی قوانین مدنی ۳۷
- امر به معروف و نهی از منکر ۳۸
- امر به معروف صحیح ۳۸
- وظیفه ستاد امر به معروف و نهی از منکر ۳۹

جلسه اول

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ اللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ.
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُتَحَنَّنُهُ اُمْتَحَنَكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ، فَوَجَدَكَ لِمَا اُمْتَحَنَكَ صَابِرَةً، وَزَعَمْنَا لَكَ أَوْلِيَاءَ وَمُصَدِّقُونَ،
وَصَابِرُونَ لِكُلِّ مَا آتَانَا بِهِ أَبُوكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَآتَى بِهِ وَصِيَّهُ

تبیین کلی موضوع

موضوعی که دوستان هیئت میثاق مطرح کردند که در این چند شب بحث کنیم؛ کلیت آن، بحث نقش بانوان در جامعه و جایگاه بانوان در مسیر تمدنی اسلام بود. با توجه به جریاناتی که در دو الی سه ماه اخیر رخ داده، من به نظرم رسید موضوع را ناظر به بحث حجاب، کمی خاص تر کنم. متاسفانه وضعیت به گونه ای شده که در بحث حجاب همه دارند سکوت می کنند. به نظرم این سکوت را باید شکست. باید حرف ها را زد. برخی زوایای مسئله را باز کردتا ببینیم واقعا دعوا بر سر چیست. من دو مقدمه در ابتدای بحث عرض میکنم.

به نظرم می رسد مسئله ی حجاب هنوز که هنوز است درست فهم نشده و خیلی از چالش هایی که داریم هم در موافقان هم مخالفان برمیگردد به اینکه صورت مسئله درست فهم نمی شود. وقتی صورت مسئله درست فهم نمی شود اجرای آن با چالش مواجه می شود. برخوردها با چالش مواجه می شود و عوارضی دارد که امروز هم مقداری با آن عوارض مواجه هستیم. بحث حجاب را هم اتفاقاً من از همین زاویه ی کنشگری زن میخواهم مطرح کنم. متاسفانه یکی از اشتباهاتی که ما کرده ایم در طول لاقبل این چند دهه مسئله حجاب را بیشتر از زاویه ی آقایان مطرح کرده ایم. در حالی که مسئله ی حجاب در درجه اول از زاویه خود خانم ها باید مطرح بشود. دوستانی که کتاب مسئله حجاب شهید مطهری را خوانده باشند؛ ایشان اولین فلسفه ی حجاب را بالابردن ارزش زن می دانند. بحث تحکیم خانواده و حفظ جامعه و... همه بعد از اینهاست. بالابردن ارزش زن یعنی چه؟ مسئله چه تصویری دارد؟ من قبل از اینکه وارد خود بحث حجاب بشوم میخواهم دو مقدمه مطرح کنم.

مقدمه اول: تأثیر شرایط خاص بر اهمیت مسائل

مقدمه اول که به شدت در فهم صورت مسئله موثر است و به نظرم می رسد خیلی از نزاع هایی که دارد اتفاق می افتد به دلیل غفلت از این مقدمه است؛ این است که خیلی از مسائل هستند که به خودی خود اگر تنها آن را نگاه کنی و بخواهی به آن نمره بدهی یک جایگاهی پیدا میکند؛ در شرایط خاص زمانی و مکانی یک جایگاه دیگری پیدا می کند. این خیلی مهم است. در منظومه ی تعالیم دین یک نکته بسیار مهم این است. خیلی از مسائل یک نمره ی به خودی خود دارند و یک نمره هم در شرایط خاص.

مثال تنباکو

مثلا به نظر شما در دین، اهمیت استفاده از سیگار و توتون و تنباکو چقدر است؟ اصلا در مسائل دینی مهم است؟ مهم نیست؟ حکم شرعی آن چیست؟ فویش بگویند مکروه است. بیشتر از این من ندیدم مراجع گفته باشند. یک حکم مکروه. یعنی رتبه چندم احکام می‌شود؟ مثلا الان اگر بخواهیم احکام مهم دین را بشماریم، شروع کنیم به شمردن احتمالا در ۳۰۰ یا ۴۰۰ امین حکم، به این حکم برسیم. اما همین مسئله که حکم سیصد، چهارصدم دین است یک دفعه یک موقعیت اجتماعی رقم می‌خورد که در زمان میرزای شیرازی می‌شود الیوم استعمال توتون و تنباکو به منزله محاربه با امام زمان است. محاربه با امام زمان به لحاظ اهمیت و اولویت رده چندم احکام دینی است؟ رده اول است. (بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَالصَّوْمِ وَالْوَلَايَةِ وَ لَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ) منظور از ولایت، ولایت اهل بیت است. ولایت ائمه است. بعد کسی برود با امام زمان بجنگد؛ از این گناه در قاموس شیعه بدتر من سراغ ندارم. بعد یک زمان همین حکم سیصد، چهارصدم می‌شود حکم اول. آقا حدیثش را برای من پیدا کن که ببینم کدام حدیث گفته توتون و تنباکو به منزله محاربه با امام زمان است؟! کجا زمان ائمه به دلیل استعمال توتون و تنباکو چنین و چنان میکردند؟! بابا صورت مسئله را درست بفهم! حکم توتون و تنباکو تا چند ماه قبل این فتوا یک حکم سیصد، چهارصدم دین بود. وضعیت اجتماعی تغییر کرد. همه مردم هم فهمیدند. ما فکر می‌کنیم امروز وضع تحصیلات رفته بالا مردم باید بهتر بفهمند؛ اما آن زمان مردم عمده شان بی سواد بودند همه فهمیدند. بعد در مورد لوازمش استفتاء میکردند. میگفتند حالا که توتون و تنباکو حرام شد قلیان ها را باید بشکنیم؟ حالا یک سوال از شما می‌پرسم. کی توتون و تنباکو آزاد شد؟ حرام بود دیگر. کی آزاد شد؟ اصلا شنیدید تا حالا که گفته باشد الیوم استعمال توتون و تنباکو جایز است؟ نه. یک واقعه اجتماعی رخ داد. وقتی آن فقیه بزرگ، میرزای شیرازی، حکمش را داد مردم فهمیدند. وقتی مردم فهمیدند همه خیلی جدی عمل کردند. حتی گفتند شاید لازم باشد قلیان ها را بشکنیم تا خیال دشمن راحت بشود که ما اصلا دیگر ول کن توتون و تنباکو شدیم. آن کمپانی ورشکست شد. کوتاه آمد. قرارداد به هم خورد. همه چیز که سر جایش برگشت مردم دوباره شروع کردند توتون تنباکو استفاده کردند. گاهی یک حکمی به خودی خود رتبه اش سیصد، چهارصد است ولی موقعیت زمانی مسئله را عوض می‌کند.

تطبیق مسئله ی حجاب

مسئله ی حجاب به لحاظ احکام شرعی به خودی خود جایگاهش چیست؟ حکم حجاب که به خودی خودش شاید رتبه ۷۰ یا ۸۰ ام بود موقعیت اجتماعی ما وضعیت را آنقدر تغییر داده که رفته است در رده های بالا. نگو آقا حکم حجاب به خودی خود حکمش پایین است. من هم قبول دارم. من هم می‌دانم. بعضی اوقات افراد جوگیر می‌شوند؛ پس فردای روزی که میرزای شیرازی، حکم را داده، طرف از مریخ آمده می‌گوید پس اهمیت توتون و تنباکو نزد شیعیان این است؟ بابا تو از مریخ آمدی. کمی در این جامعه زندگی کن. احکام شرعی جایگاه دارد. بی حجابی، به خودی خود، گناه صغیره است. گناه صغیره بعد از گناه کبیره است. آیت الله دستغیب گناهان کبیره را خیلی پر و پیمان بر داشته است. گناههای کبیره ای که در فقه مطرح است؛ فویش هفت هشت ده تاست؛ اما ایشان هفتاد هشتاد تا را مطرح می‌کند و هنوز بی حجابی را آنجا نیاورده است. حجاب به خودی خود و به تنهایی آنقدر مهم نیست. یعنی شما اگر ۵۰۰ سال قبل زندگی می‌کردی، حکم فقهی فرعی دسته دوم بود. دسته بیستم بود.

حجاب، حکم ضروری و قطعی اسلام

این مناقشه ای هم که ده سال اخیر شده و آقای بی یک کتابی نوشت، چون ۱۰۰۰ صفحه بود همه فکر کردند چه خبر است! همه چیز را به هم بافت. من فقط در ۴۰ الی ۵۰ صفحه نشان دادم این کتاب علمی نیست و کلاه برداری است. نمی‌خواهم اسمش را بیاورم که تبلیغش بشود و لو که خیلی ها شاید آن را دیده باشند. استدلال های پوچ می‌کند. یکسری شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد

حجاب، یک حکم ضروری و قطعی اسلام است. شیعه و سنی که حتی در وضو هم باهم اختلاف دارند در حکم حجاب ۱۲۰۰ سال اختلاف نداشتند. در این دوره مدرن یک عده حرف های جدید می زنند. پس معلوم است که حکم ضروری دین است. اینکه یک عده آسمان ریسمان به هم ببافند که مقدس اردبیلی چنین گفته، برو کتاب مقدس اردبیلی را درست بخوان. بین جمله مقدس اردبیلی را جلو عقب می کند. بعد آدمی که اهل فن نیست متوجه خطا نمی شود. یک جمله ی کتاب را می بینند می گویند مقدس اردبیلی نظرش این نبوده. نخیر مقدس اردبیلی قطعاً نظرش درباره حجاب همین بوده که نظر همه فقهاست. من هم مفصل در آن مقاله ای که در نقد آقای دکتر کدیور نوشتم توضیح دادم. اگر میخواهی بحث تخصصی بکنی برو در بحث تخصصی آن وارد شو. متخصص قلب می گوید مسئله قلب این است! یک آدمی که در حد دانشجوی سال اول پزشکی درس نخوانده شروع می کند به اظهار نظر کردن درباره نظر متخصص قلب. دعوی «مار» و «مار» است دیگر. داستانش را می دانید یا نمی دانید؟ یک کلاهبرداری در یک شهر یا روستایی یک دکان دستگاهی راه انداخته بود. یک عالم دینی وارد آن شهر می شود و دکان دستگاه او را خراب می کند. وی برای اینکه این عالم را از میدان بدر کند می گوید بیا در مقابل مردم نشان بدهیم چه کسی باسواد است؟ مردم همه بی سوادند. گفت حاج آقا تو که خیلی ادعایت می شود بنویس مار. این هم نوشت «مار». آن آقا هم شکل مار را کشید و از مردم پرسید مار کدام است؟ همه گفتند معلوم است که این است (مار کشیده شده را نشان دادند). حالا دعوی همان دعوی مار و مار است. آدم بی سواد آسمون و ریسمان را به هم بافته. بعد در فضای عمومی همه عده ای می گویند حجاب محل مناقشه ی فقهاست. خیالت جمع. در کلیت آن هیچ محل مناقشه فقها نیست. من ۳ الی ۴ مقاله نوشتم، همه مناقشه ها را که ادعا کردند پاسخ دادم. این دعوی الکی است ولی به خودی خود، حکم فرعی دسته دوم بود. به دلیل شرایط خاص جامعه جهانی جایش عوض شده. حداقل دو دلیل هویتی دارد که اگر امشب برسم دلایل هویتی را می گویم.

دلایل اهمیت حجاب در شرایط خاص امروز

مسئله هویتی، دلیل اول: حجاب، یک نماد

الان همه شما حجاب را از زاویه عفت می بینید. یک نکته ای امروز وجود دارد که خیلی خیلی مهم تر از عفت است. آن است که چالش ایجاد کرده. میخواهی مسئله را راحت بفهمی؟ ما قبل این جریانات اخیر، افرادی را داشتیم که به لحاظ حجاب از منظر عفت، خیلی بدحجاب بودند. لباس های آنچنانی غیر عقیفانه. الان مشکل چیست؟ روسری را که می اندازند همه ناراحت می شوند. اتفاقاً دقت کنید آن ها هم که دارند برنامه ریزی می کنند خوب می دانند چطور برنامه ریزی کنند. اغلب این هایی که روسری خود را انداختند بقیه پوشششان عقیفانه است. شما خیلی از این ها را می بینید که بقیه پوشششان از خیلی از اینها که قبلاً بدحجاب بودند بهتر است. پس چرا ناراحت شدی؟ مگر مسئله ات عفت نبود؟ نه. اینجا مسئله هویت است. مسئله هویت، مسئله مدرن است. در جامعه جهانی وقایعی رخ داده که حجاب را بالا آورده. مسئله حجاب را ما شروع نکردیم. دعوی حجاب را آتاتورک و رضا خان شروع کردند! آقای رضا خان تو که میخواهی براندازی حالا گیر دادی به چادر چاقچور؟ عجب آدم نفهمی هستی تو! رضا خان که خودش کسی نبود. می دانید که رضا خان را انگلیسی ها آوردند و او را مدیریت می کردند. میخواهی مسئله حجاب را در دوره مدرن بفهمی، انقلاب را رها کن. برو قبل انقلاب. این جزء خاطرات آقای بهجت است؛ از یکی از علما نقل می کند که آن عالم زمان احمدشاه می گوید احمدشاه آمد سراغ من و گفت انگلیسی ها آمده اند سراغ من و گفته اند حجاب را از سر مردم بردار و الا تو را کنار می گذاریم و یکی دیگر را جایگزین می گذاریم. من آمدم از شما کسب تکلیف کنم. چه کار کنم؟ آن عالم گفته نباید برداری. احمد شاه گفته من دارم با شما و دین راه می آیم (آنقدرها که فکر می کنیم احمدشاه بد نبوده) نمی دانم بعد من می خواهند چه کسی را بیاورند. آن عالم مرجع زمانش می گوید تو اینکار را نکن. یعنی یکی از دلایلی که انگلیس احمدشاه را کنار گذاشت و رضا شاه را آورد همین برداشتن حجاب بوده

است. (دیگر در این شک نداریم که رضا شاه را انگلیسی ها آوردند؟ رضا خان یک تیم حرفه ای داشته و قوی عمل کرده). چرا؟ مگر حجاب چه کار می‌کند؟ واقعا برداشتن حجاب زمان رضا خان، کارشناسی شده بود. چون مسئله هویت بود برایشان. مادر بزرگ من کلاهی داشتند که پشتش شال وصل بود. زمانی که حجاب ممنوع بود لباس یقه دار می‌پوشیدند و کلاه شال هم می‌پوشیدند و مامور ها کاری با وی نداشتند. می‌دانید رضا خان، همه مسئولین حکومتی را موظف کرد که خانمهایشان در مراسم رسمی بی حجاب بیایند. خانم های روحانیون حکومتی هم موظف بودند در این جلسات رسمی بی حجاب ظاهر بشوند، بی حجاب رسمی! برای همین خیلی ها مدل پوششان این بود که به لحاظ شرعی هم حدودش را رعایت کرده بودند. مسئله رضا خان حکم فرعی فقهی بود یا مسئله هویتی؟ می‌دانست اگر این چادر را برداشت [ولو آن پوشش جدید عملا حجاب شرعی وی را حفظ کند] پرونده حجاب بتدریج بسته می‌شود. البته رضا خان نمی‌فهمید؛ اما آن ها که برنامه ریزی کردند می‌فهمیدند. این هم که الان شما دردت می‌آید می‌گویی همانقدری که قبلا شال کوچکی انداخته بودند الان ندارند یعنی معنای هویتی در کار است. ساده بگویم خیلی از باحجاب هایی که در فرانسه راهشان نمی‌دهند وقتی می‌آیند به ایران اگر بروند قم بی حجاب محسوب می‌شوند! مثلا فرانسوی ها خانم هایشان مایوی اسلامی دارند! مایو پوشیده ولی مثل لباس غواصی. این حجاب است؟! من قبلا میخواندم که در سواحل فرانسه اگر خانمی مایوی اسلامی بپوشد معادل چند صد دلار جریمه می‌شود. مایوی اسلامی چه مسئله عفتی می‌آورد که با آن درگیر هستی؟! مسئله هویتی است! حجاب، نماد هویتی شده است. پرچم چه ارزشی دارد؟ بخاطر اینکه پرچم را در روی فلان قله قرار دهید چندین کشته می‌دهید! در عملیات ها این بود دیگر! حالا این پارچه آنجا نرود چه می‌شود؟ چرا اگر یک عده خاص در یک شرایط خاص سرود ملی نخوانند اعصابتان خرد می‌شود؟! کار نماد، متفاوت است با حکم به خودی خود. اگر چیزی نماد شد، جایگاهش عوض می‌شود. این پارچه قبلا یک پارچه بود. حکم آتش زدن پارچه چیست؟ پس چرا اگر پرچم را آتش بزنند ناراحت می‌شوی؟ حجاب قبل این که ما به دنیا بیاییم، ۱۰۰ سال قبل نماد هویتی بود. قبل این که رضا خان شروع کند آتاتورک شروع کرد. اگر می‌خواهی کار تمدنی انجام دهی مسائل را در افق جهانی بفهم.

جهان غرب، دو دشمن مهم داشت. امپراطوری عثمانی و امپراطوری ایران. بروید کتاب ها را بخوانید. بین این دو دعوا انداختند. خوب هم بلد بودند دعوا بیندازند. سال ها بین عثمانی و ایران دعوا بود. علما وسط را می‌گرفتند ولی باز دعوا برمیگشت. در دوران صفویه خیلی دعوا بود. دوران قاجار، علمای آگاهی داشت که نمی‌گذاشتند دعوا بشود. عثمانی را که متلاشی کردند. بروید کتاب هایشان را ببینید که می‌گویند ما عثمانی را از نقشه حذف کردیم. بفهم وقتی می‌گویند می‌خواهیم ایران را از نقشه حذف کنیم یعنی چه. آن ها فقط انقلاب اسلامی برایشان مهم نیست. از قبل آن دارند این حرف ها را می‌گویند. مرحوم سید محمد کاظم یزدی که در مشروطه مرتب شک میکرد و توقف می‌کرد، نمی‌دانست حمایت کند یا نه و بعدا هم معلوم شد حق با اوست؛ برای دفاع از عثمانی، فتوای جهاد داد. او عالم زمان مشروطه و نقطه مقابل آخوند خراسانی بود که طرفدار مشروطه بود. این آدم که اینقدر اهل احتیاط بود فتوای دفاع از عثمانی داد. اما بالاخره عثمانی را از نقشه حذف کردند. مقر اصلی عثمانی کجا بود؟ ترکیه. خود آتاتورک از فرماندهان رده بالای عثمانی بود که او را خریده بودند. به او وعده داده بودند. اصلا یکی از علل خیلی مهم سقوط عثمانی خود آتاتورک است. به او وعده دادند که اگر این سلسله سقوط کند آن را به دست تو می‌دهیم. سید محمد کاظم یزدی فتوای جهاد و دفاع از عثمانی می‌دهد. همان بحث وحدت شیعه و سنی، وقتی که دشمن مشترک داری، عالم شیعه برای دفاع از حکومت سنی فتوای جهاد می‌دهد. عثمانی را که زمین زدند و از روی نقشه حذف کردند، باید با پاک کن اصل اسلام را از آنجا پاک کنند. دو سه تا کار کردند. خط را عوض کردند که نتواند با گذشته ی خود ارتباط بگیرد. و حجاب را برداشتند. با همین کار های ظاهرا کم اهمیت! حالا مردم مطالبشان را به هر خطی بنویسند، به لحاظ شرعی چه فرقی دارد؟ حالا یک حکم فرعی حجاب نباشد، چقدر مهم است؟ این دوتا کار را کردند و ترکیه شد این که الان می‌بینید. تا ملتش می‌خواهد ی کار اسلامی بکند ارتش می‌آید می‌گوید قانون اساسی ما لائیک است! غلط میکنی

اسلامی باشی. ترکیه که زمانی به عنوان امپراطوری عثمانی یکی از دو مرکز جهان اسلام بود، تبدیل شده به مرکز جهانی که نمی‌گذارد اسلام در آن باشد. حجاب در آن ممنوع است. پس مسئله هویت را بفهم. دعوا چیز دیگری است.

آمدند سراغ ایران. به دلایل تاریخی متعدد نمی‌شد ایران را راحت تجزیه کرد. دیدند بهتر است به جای این که تجزیه کنیم خودمان این جامعه را مدرن کنیم. رضاخان را آوردند (خود روشنفکران ضد دین می‌گویند مدرنیزاسیون اجباری). به زور جامعه را مدرن کردند. چون دیدند این مردم به این راحتی‌ها مدرن نمی‌شوند! البته منظور از مدرن، غرب زده شدن است. مراکز علمی را تعطیل کردند. فقط حوزه نبود. بلکه مکتب‌خانه‌ها هم بود که البته مکتب‌خانه‌های ما مشکلاتی هم داشت. اما تصویری از مکتب‌خانه‌ها ساختند که شما در فیلم دکتر محمد قریب می‌بینید و می‌گویید عجب چیز بیخودی! همان بهتر که برداشتند! این تصویر را القاء کردند که از اول ابتدایی همه برویم در یک نظام دیگری درس بخوانیم که برای تفکر غربی تربیت بشویم. برای مدارس ابتدایی، هزینه کردند. اصلاً مدارس متوسطه یعنی چه؟ تا به حال فکر کرده‌اید که این متوسطه یعنی چه؟ به دلیل اینکه شما در جهان مدرن ۲ مقطع اصلی دارید که عبارتند از ابتدایی و دانشگاه. حالا یک چیزی باید شما را از ابتدایی به دانشگاه سوق دهد. بعد می‌گویند چرا تب کنکور وجود دارد؟! این برنامه ریزی شده است. یک برنامه ریزی اساسی و حرفه‌ای و جدی است. حالا می‌خواهی به این راحتی‌ها آن را عوض کنی؟ تمام تنظیمات آن‌ها را ادامه دادی حالا می‌خواهی عوض کنی؟ خیلی باید درباره اش فکر کنی! حالا نمی‌خواهم این نقد‌ها را بگویم؛ برویم سراغ مسئله خودمان.

مدرنیزاسیون اجباری. همان دو کاری که در آتاتورک بود آمدند در ایران هم بکنند. گفتند اینطوری بدون اینکه چند تکه اش بکنیم اینجا هم اسلام را پاک می‌کنیم. یکی عثمانی بود و یکی ایران. رضا خان را گذاشتند و قرار شد که خط و حجاب برداشته شود. حجاب را اول برداشتند و اتفاقاً خیلی هم حرفه‌ای عمل کردند. ما بازی خوردیم. هنوز هم که هنوز است در بازی خوردن مان مانده‌ایم. اول لباس متحد الشکل (یعنی تمام هویت‌های قومیتی برود) سپس کشف حجاب. اول هویت قومی را هم بگیر از اینها. ما از اشتباهاتی که بعد از انقلاب کردیم این بود که در حجاب اصرار داشتیم فقط یک مدل کاملاً تهرانی وجود داشته باشد. نگذاشتیم فضاهای قومیتی پوشش رواج پیدا کند. اینها را بعداً در بحث راهکارها بیشتر خواهم گفت. حجاب را برداشتند گام دوم شان خط و زبان بود که به دلایلی موفق نشدند. یک خاطره از آیت الله بهجت رضوان الله علیه خواندم. همانطور که میدانید کشف حجاب در زمان مرحوم شیخ عبد الکریم حائری یزدی (موسس حوزه علمیه قم) رخ داد. ایشان از نظر خیلی‌ها بسیار ساده بوده و زیرک نبوده است. همچنین بسیار اهل تقیه و عقب نشینی بوده. می‌گویند سیاست بلد نبود، راحت بود. اما قضیه بالعکس است. آیت الله بهجت می‌فرمودند که این از سیاست ایشان بود که توانست حوزه را حفظ کند. عقب کشیدن‌هایی برای اینکه می‌دانست دارند اصل دین را می‌زنند. رفت آن لبّ مطلب را نگه دارد و یک جایی مخفی بکند تا بعداً این دوباره برگردد. این خاطره هم از آیت الله بهجت است می‌فرمایند که یک عده از علما بعد از اینکه کشف حجاب شروع شده بود و خیلی هم داشت گسترش پیدا میکرد، جمع شدند که ببینند چه کار باید بکنند. جمع بندی شان این شد که آقای شیخ عبد الکریم که مرجع زمان است باید فتوای مبارزه و مخالفت با شاه بدهند. یک نفر را به عنوان نماینده می‌فرستند پیش مرحوم شیخ عبد الکریم حائری که به ایشان بگوید اجماع علما بر این تعلق گرفته که شما باید مداخله کنید. شیخ فرموده بودند علمایی که میان شان عاقل وجود نداشته باشد اجماع شان حجت ندارد! عاقل نباشد؟ یعنی حجاب مهم نیست؟ الان ما می‌فهمیم که ایشان چقدر تیزبینی سیاسی داشته‌اند. در حوزه هم همین بود. اصلاً قرار بود حوزه جمع شود! ایشان مدام عقب کشیدند و کوتاه آمدند و نگذاشتند که حوزه جمع شود. این حوزه‌ی کوچک ماند بعد که رضاخان رفت و کمی وضعیت برگشت دوباره شروع به رشد کرد و انقلاب ما رقم خورد. کیاست فوق العاده‌ای داشتند. خاطره‌ای دیگر از آیت الله بهجت برایتان بگویم که البته به گمانم هنوز چاپ نشده است. همین شیخ عبد الکریم حائری که چنین موضعی درباره آن دسته از علما گرفتند و گفتند که عاقل میان شان نیست، در اول کشف حجاب [برخورد دیگری دارد]. از تهران یک نماینده‌ای می‌فرستند

قم نزد شیخ عبد الکریم که بپرسد حالا که حکومت کشف حجاب را شروع کرده ما چه کار کنیم؟ ایشان گفتند که مبارزه کنید، نهی از منکر کنید ولو به قیمت کشته شدن تان. این قضیه حدوداً برای سال ۱۳۱۴ است که ماشین نبود! یعنی تهران - قم خودش یک مسافرت بوده است. این نماینده، آن شب را در قم میباید [فردا که میخواست به تهران برگردد دوباره از شیخ عبد الکریم حائری پرسید که دیروز از شما سوال کردم فلانطور جواب دادید. بروم این را اعلام کنم؟ شیخ فرمودند که: نمیدانم! هر کاری خودتان میدانید بکنید! نماینده با تعجب پرسید که مگر شما نبودید که دیروز گفتید فلان کار را بکنید حالا میگویید نمیدانم؟ شیخ دوباره تکرار کردند نمیدانم. حالا اینجا آقای بهجت توضیح میدهند که چرا اینطور گفتند. آیت الله بهجت میگویند: خب این نمیدانم یعنی چه؟ یعنی از دیروز تا امروز فتوا عوض شد؟ زمانه عوض شد؟ نکته این است که اگر شما نهی از منکر کنید ولو به قیمت کشته شدن تان اما منکر رفع شود، نهی از منکر کنید. اما چه کنیم که [اگر بدانیم] نهی از منکر بکنیم منکر رفع نمی‌شود، [اینجا] باید جان مان را حداقل حفظ کنیم. این توضیح آیت الله بهجت است از جمله دوم شیخ عبدالکریم. یعنی الان اینها یک بنایی گذاشتند که قتل عام می‌کنند که بی حجابی مستقر شود؛ این را نمیشود کاری کرد. الحمدلله شر رضاخان کم شد و محمدرضا آنقدر قوت نداشت و وقتی خواستند خط و زبان را عوض کنند علما سریع آمدند نگذاشتند چنین شود. پروژه ناتمام ماند. علما فهمیدند عوض کردن خط بسیار جدی است و سریع مداخله کردند. اتفاقاً همان علمایی که معمولاً موضع نمی‌گرفتند. جدی ایستادند که خط فارسی نباید عوض شود. آقا شما که عربید؛ کتاب های عربی میخوانید به فارسی چه کار دارید؟ عالم فقیه، زمانه را می‌فهمد. می‌فهمد که عوض کردن خط فارسی یعنی حذف اسلام در این کشور. به ریشه های هویتی ات مراجعه کن، راحت پیش می‌روی و مردم راحت با تو همراهی می‌کنند. من می‌گویم ما در حجاب اشتباه کردیم. ریشه های هویتی مان را کنار گذاشتیم. آمدیم اصرار کردیم روی یک مدل خاصی از حجاب که بعد از مدرنیته باب شده بود و خواستیم همه همین مدلی باشند. ما در حجاب ریشه هویتی داشتیم. چرا این ها را دست کم گرفتیم؟

پس مساله حجاب چه شد؟

مقدمه اول: نماد هویتی شده است. نه زمان انقلاب ما بلکه سال ها قبل از انقلاب. و چیزی که نماد هویتی شد زدنش موضوعیت دارد ولو اینکه شما انقلاب نکنید و یا نمی‌کردید. اول رضاخان که ما نبودیم. امام خمینی ره در زمان اول رضاخان و قضیه کشف حجاب چند ساله بوده؟ یک جوان طلبه بیست و یکی دوساله بود. مساله چیز دیگری است. صورت مساله عوض شده است. دعوا جای دیگری رفته.

حجاب و کنشگری زن

اما مطلب دوم: آن نکته حجاب که ما سال هاست از آن غافل شده ایم این است که حجاب یعنی کنشگری زن. مفهوم حجاب کنشگری و فعال بودن و انتخاب گری زن است. من چند سال است این بحث را مطرح می‌کنم ولی نمی‌خواستم تا به حال این مطلب را تیز بگویم اما دیگر مجبورم بگویم. چند سال است می‌گویم که نگویید حجاب اجباری بلکه بگویید حجاب قانونی. امسال اگر توفیق باشد تبیین میکنم که میتوانیم قانون داشته باشیم ولی اجبار نداشته باشیم. ما چرا قانون را فقط در فضای اجبار میفهمیم؟ من مدافع قانون حجاب بودم، هستم و خواهم بود. نباید از این قانون عدول کنیم اما قالب قانون همیشه اجبار نیست. در آن مناظره ای که با آقای مهدی نصیری داشتم همه آن طرف را دیدند ولی یکی ندید وقتی آقای مهدی نصیری در صدا و سیما این حرف ها را زده آن که مقابلش بود چه جوابی داد؟ الحمدلله هیچکس ما را ندید. چون بچه حزب الهی ها با خودی که کار ندارند فقط با آن طرفی کار دارند. همان جا این را تبیین کردم اما خیلی نرم گفتم چون این حرف سنگین و پیچیده است. ما میتوانیم قانون داشته باشیم بدون

اجبار. من مخالف حجاب اجباری ام و موافق حجاب قانونی. فردا نگویند سوزنچی هم از موضعش برگشت! من از موضعم برنگشتم و همچنان همان موضعی را دارم که چندین سال است در جاهای مختلف گفته ام. میشود حجاب قانونی داشت بدون اجبار. اما بهر حال این عبارت تبیین می‌خواهد. اول خود حجاب را درست بفهمیم بعد که فهمیدیم شما مبینید چطور میشود حجاب قانونی داشته باشیم بدون اجبار. اول باید بفهمیم حجاب کنشگری زن است. بگذارید یک حدیث مخالف ذهنیت شما بخوانم بعد ببینید ما با این احادیث چه کار کرده ایم؟ البته بگذارید مقدمه دوم را هم بگویم چون وقت رو به اتمام است.

مقدمه دوم: راهکارهای شریعت برای تعلیم ساده و عمیق

شریعت طوری تعلیم می‌دهد که مردم همه یاد بگیرند بعد ما(یعنی کسانی که فقیه نیستیم) شروع می‌کنیم اظهار نظر تخصصی روی آموزش عادی شریعت، و همه چیز را قاطی میکنیم. یک مثال ساده بزنم و بعد روی همین بحث حجاب پیاده سازی اش کنم.

مثالی برای فهم صحیح قواعد کلی

نماز ظهر چند رکعت است؟ جواب بدهید.(حضار: ۴ رکعت). . خب ۴ رکعت. همه قبول دارید؟ مطمئن؟ خب من امروز، جای شما خالی، مشهد بودم از آنجا آمدم. حالا که من نماز ظهرم را در مشهد ۲ رکعت خواندم اشتباه کردم؟ مگر نماز ظهر ۴ رکعت نبود؟ پس چرا من ۲ رکعت خواندم؟ می‌گویید چون مسافر بودی. اهان! ببینید شریعت چقدر ساده یادتان داد. می‌دانید نماز غریق چند رکعت است؟ نماز غریق یک الله اکبر است رکعت ندارد. نماز آدمی که پایش شکسته ایستاده است یا نشسته؟ ببین! صاحب شریعت خیلی زیبا یک آموزش ساده داده. اول قواعد کلی را داده بعد قواعد بعدی را گفته. یعنی اول یاد گرفتید نماز ظهر ۴ رکعت است. این را که خوب فهمیدید بعدا سر فرصت یاد میگیرید نماز مسافر فلاطور است، نماز غریق بهمان طور است. یک نماز کلی یاد میدهند، اینرا همه یاد میگیرند بعدا جزئیات احکامش را به شما میگویند. بعد اگر یک آدم ناشی بگوید من در برخی روایات دیدم که نماز ظهر ۲ رکعت است پس آنهایی که میگفتند ۴ رکعت است اشتباه می‌کردند! شما چون قواعد را یاد گرفتید می‌فهمید اشتباه می‌کند. خیلی جاها اینطور سرمان کلاه می‌رود!

حدیث حضرت زهرا(س):دیان قاعده عدم اختلاط زن و مرد، نه پرده‌نشینی زن

حدیثی که کسی امروز جرات نمی‌کند بالای منبر بگوید؛ می‌خواهم بگویم و از آن دفاع کنم. حدیث از حضرت زهرا سلام الله علیهاست. حدیثی است که همه آن را قایم می‌کنند یا در سندش خدشه می‌کنند زیرا نمی‌توانند درست آنرا بفهمند. «خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرَّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالُ». برای زنان بهتر این است که مردان را نبینند مردان هم زنان را نبینند. یعنی چه؟ آیا این می‌خواهد بگوید زنان کلا بروند در خانه؟ دقت کن! همین حضرت زهرا سلام الله که این حدیث را میفرمایند حجاب داشتند یا نداشتند؟ مگر بهتر نبود زنان در خانه بمانند پس حجاب برای چه داشتند؟ حکم حجاب حکم اسلامی هست یا نه؟ [امتدینان] از ائمه درباره حجاب سوال می‌کردند یا نه؟ مطالب را با هم قاطی نکن! درست بفهم! می‌گوید اصل در مورد زن و مرد این است که اختلاط زن و مرد نباشد. اما همین دینی که اینرا گفته، همین حضرت زهرا سلام الله علیها که اینرا فرموده، می‌دانسته که در بسیاری موارد، اقتضای موقعیت اختلاط زن و مرد بوده که حضرت هم حضور داشتند و با حجاب میرفتند. حجاب یعنی این.

حجاب، یعنی جدی بودن حضور زن در جامعه

حجاب یعنی پذیرش اینکه زن می‌خواهد در جامعه وارد شود، مردان را هم ببیند اما با رعایت حریم. یک قاعده به تو می‌گوید که اگر ضرورت ندارد نیاز نیست زن و مرد با هم باشند؛ مثلا در ادارات جایی که ضرورت ندارد آیا زن و مرد با هم بنشینند؟ بهتر این است که جدا بنشینند (اگر میشود جدا کرد). در جاهای مختلف اگر جایی ضرورت ندارد چرا اختلاط باشد؟ حضرت زهرا سلام الله علیها این را می‌گویند! نمی‌گویند بهتر است زنان را بگذارید در خانه، در را هم به رویشان ببندید که هیچ مردی آنها را نبیند. پس اصلا چرا اسلام حجاب را آورد؟ اگر منظور این بود که زنان باید بروند در خانه و در را هم به رویشان ببندید چرا اصلا حجاب آمد؟ حکم حجاب یعنی چه؟ یعنی اسلام قبول کرده که زن ها باید مرد ها را ببینند و متقابلا مرد ها هم باید زنان را ببینند. اگر اینرا قبول نمی‌کرد که نمی‌گفت حجاب! حرف من تقطیع نشود بعدا بگویند سوزنچی گفته اسلام پذیرفته که زن و مرد باید همدیگر را ببینند پس حجاب لازم نیست! خدا بخیر کند. آدم می‌ترسد این ایام یک جمله ای بگوید سریع آن را تقطیع و کلیپ کنند. منظور من معلوم است. اصلا حجاب یعنی زن انتخاب می‌کند که بیاید در جامعه، بیاید در مقابل مردان ولی با حریم. همین زنی که انتخاب کرده بیاید در جامعه و کنشگر اجتماعی شود همین زن، می‌خواهد بگوید الگوی من در کنشگری با الگوی غربی فرق دارد. این مساله دوم هویتی است که امشب دیگر نمی‌رسم بگویم. پس آن حدیث یک قاعده کلی دارد میدهد. مانند اینکه نماز ظهر ۴ رکعت است اما شما مسافری. آقا دروغ‌گویی خوب است یا بد؟ مگر کسی شک دارد در بدی دروغ؟ گناه کبیره است. اما اگر داعشی ها آمدند شهر شما را گرفتند باید بگویی من شیعه ام یا نگویی؟ عاقل می‌گوید نگو. تقیه است. حالا اگر از تو پرسید شیعه ای یا نه چطور؟ راست بگویم یا دروغ؟ هر عاقلی می‌فهمد **«إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً»**. به عمار یاسر گفتند بر بت سجده کن، سجده کرد بعد آمد نزد پیامبر گفت چه کار کنم؟ من سجده کردم. آیه نازل شد **«إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ»**. می‌گوید این در شرایط تقیه بود مجبور بود سجده کند هیچ اشکالی هم ندارد. ممکن است کسی ۱۰ سال در مکه تقیه کند هیچ اشکالی ندارد. ۱۰ سال دروغ بگویم؟ بله. اینجا اشکال نداره چون نمی‌خواهی دروغ بگویی بلکه می‌خواهی جانت را حفظ کنی. احکام را بفهم. حالا چون ما قائل به تقیه شدیم دروغ‌گویی مجاز شد؟ نخیر! مجاز نیست. حضرت زهرایی که می‌گوید بهترین چیز برای زن این است که مردان را نبیند و مردی هم او را نبیند حجاب می‌گذاشت. یعنی مردان را میدید و دیگران هم او را میدیدند. همین حضرت زهرا، خطبه فدکیه خواند. حضرت زهرایی که آن حدیث را داشتند به علی علیه السلام می‌گفتند چرا سلمان به ما سر نمی‌زند؟ رفت و آمد داشتند! یک جای دین را گرفتیم جای دیگرش را فراموش کردیم بعد شروع میکنیم نظر دادن. این حدیث نیازی به مناقشه کردن ندارد. تمام متدینین می‌فهمند اصل بر عدم اختلاط است اما این به این معنی نیست که زنان بروند در خانه در را بر روی خود ببندند. خیلی واضح است. الان ما بیشتر از آن که بگویم اصل بر عدم اختلاط است می‌گویم حجاب واجب است. حجاب واجب است یعنی چه؟ یعنی زنان دائما در موقعیت های مقابل مردان قرار می‌گیرند. ببینید چقدر راحت با هم جمع میشود. هم این را داریم و هم آن را. نیازی هم نیست قاطی کنیم. حواس مان باشد خیلی وقت ها یک مطلب که می‌خواهند بگویند این مطلب اول است و مطلب دوم هم دارد. اگر گفت بهتر برای زنان آن است که مردی را نبینند و مردان او را نبینند بعدش می‌گوید حجاب واجب است. اصلا شما زنی را میشناسید که در عمرش حجاب نکرده باشد؟ به این معنی که هیچ مرد نامحرمی او را ندیده باشد. اصلا قابل فرض است؟ معلوم است که منظور حضرت این نبود. برای همین است که حضرت زهرا سلام الله علیها می‌آید خطبه فدکیه می‌خواند. این خطبه بسیار زیباست و موضوع بحث ما هم هست.

مقدمه و مروری بر جلسه گذشته

بحث ما درباره حجاب و کنشگری زن در جامعه اسلامی و تمدن اسلامی بود. عرض کردیم که مسائل مختلفی که در احکام اسلامی هست، دو نگاه به آنها وجود دارد. یک نگاه به خودی خود، که یک مسئله، به خودی به خود می تواند جایگاه خیلی مهم داشته باشد یا یک جایگاه پایینی داشته باشد و گاهی وقت ها همین مسئله در بستر زمان و مکان خاص جایگاهش عوض می شود. عرض کردیم توتون و تنباکو به خودی خود یک حکم فرعی فقهی دست دویستم و سیصدم است، فو قش مکروه هست اما یک موقعیتی در تاریخ پیش می آید که الیوم استعمال توتون و تنباکو به منزله محاربه با امام زمان (عج) می شود. بحث ما این بود که حجاب یک حکمی بود که اگر فقط حجاب بود و ما مثلا پانصد سال قبل زندگی می کردیم، یک حکم مثلا هشتادم و نودم بود؛ اما وقایعی رخ داده که این وقایع موجب شده این مسئله هشتادم و نودم بیاید در رده های بالا. این معنایش این نیست که این حکم به خودی خود در این رده است مثلا ربا یک حکمی است که به خودی خود رده اش خیلی بالاست قرآن وقتی درباره ربا حرف میزند می فرماید فَأَذْنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ ۗ باید به این مسئله پرداخته شود. یا در باب مسائل اقتصادی و فقر که در روایت می فرماید: لَوْلَا رَحْمَةُ رَبِّي لَكَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا اگر رحمت خدا نبود نزدیک بود که فقر به کفر برسد. حکومت باید به اینها بپردازد و اینها به خودی خود مسئله های بالایی هستند؛ پانصد سال قبل حجاب آنقدر رده اش بالا نبود اما یک وقایعی رخ داده که الان حجاب در رده اینها قرار گرفته. من از این جهت، این مثال ها را گفتم که تا بحث حجاب را مطرح میکنیم می گویند آقا چرا با بقیه مسائل کار ندارید. نه، ربا معضل است باید برایش فکر کنیم بانکداری ما که تا حدودی در آن ربا دارد، حالا درست است یک مقدار به لحاظ صوری حل شده ولی همه مراجع گفته اند دیگر، معضل هست باید بنشینیم حلش کنیم. [اما می خواهم] بدانید برخلاف این تبلیغی که می کنند فکر نکنید ربا خیلی مهم است ولی حجاب مهم نیست. حجاب رده اش آمده بالا، نه به خودی خود، بلکه به دلیل وضعیت خاصی که در تاریخ رخ داده است.

دلیل اول هویتی: حجاب، نماد تصویری

دیروز مقداری را برایتان عرض کردم، رفتم سراغ اینکه حجاب یک بعد هویتی پیدا کرده است. چرا بعد هویتی پیدا کرده؟ یک علت مهم آن این است که ما در عصر رسانه های تصویری به سر می بریم. رسانه تصویری کاری با ما کرده که جایگاه نمادهای تصویری عوض شده. خیلی برایمان مهم شده، تبدیل به پرچم شده است. اگر خواستید مطالعه کنید آقای نیل پستمن کتابی دارد به اسم «زندگی در عیش مردن در خوشی» خیلی قشنگ توضیح می دهد که بعد از این عصر رسانه های تصویری، تصویرها، نمادها، آن چه به چشم می آید، با فرهنگ چه کار می کند. چون ما در این عصر به سر میبریم، حجاب یک شاخص مسلمانی شد. ما حجاب را شاخص مسلمانی نکردیم، انقلاب ما نکرد. دیروز توضیح دادم قبل از انقلاب ما بود. این ها از زمان رضا خان با حجاب درگیر شدند قبل از رضاخان در زماناتاتورک در ترکیه با آن درگیر شدند. ما نرفتیم آن را نماد کنیم، دست ما نیست. برخی ها می گویند بیاید حجاب را از نماد بیندازیم. مگر دست من و تو است؟ این مسئله در عرصه جهانی در عصر تصویر جهان در عصر رسانه های تصویری و نمادها، [به طور طبیعی رقم خورده است] دست من و تو نیست. آن چیزی که حیث تصویری دارد نماد می شود. آن چیزی که به چشم می آید سریع نماد می شود. این نیست که حالا ما یک کاری کنیم که نماد نشود. این مطالبی بود که تقریبا دیروز عرض کردم.

دلیل دوم هویتی: فمینیسم

نکته دومی که دیروز یک اشاراتی به آن کردم، امروز می‌خواهم ان‌شالله بیشتر آن را باز کنم که بُعد هویتی حجاب را پررنگ میکند، پیدایش پدیده ای است به اسم فمینیسم، نهضت احیای حقوق زنان.

می‌دانید موج اول این نهضت تقریباً از اوایل قرن نوزدهم بود. موج دومش در قرن بیستم، اواسط قرن بیستم، بود. عمدتاً افراد، موج دوم و یک مقداری هم موج سوم را می‌شناسند. مخصوصاً در ایران، ما هنوز در موج دوم به سر می‌بریم؛ اگر موج سوم را خوب در ایران معرفی کنیم موج دوم می‌خواهد.

چه چیزی رخ داده؟ خوب دقت کنید. من این بحث را مفصل یک بار مطرح کردم. عنوان بحثم را «زن به مثابه نا-مرد» گذاشتم؛ منتها گفتم در تیترو سخنرانی که دادیم پخشش کنند «نامرد» را بنویسید «نا، خط تیره، مرد». گفتم دو تا مطلب بگویم یکی زن به مثابه مردی که مرد نیست. دیدیم این کلمه نا-مرد خوب این معنا را می‌رساند. نامرد به مردی می‌گوییم که مرد نیست، زن به مثابه نا-مرد یعنی چه؟ آن بحث آنجا را هر کس خواست مفصل من آنجا تحلیلش کردم. خیلی تیتروار خلاصه اش را می‌گویم که این نکته خودم را بگویم.

فمینیسم، جریان مردسالار

ببینید فمینیسم جریانی است که الگوی انسان را مرد می‌بیند نه زن و اصرار دارد که زنان مثل مردان شوند. فمینیسم در باطن خود، یک جریان مردسالار است. الگوی زندگی اجتماعی را مردانه می‌بیند. برای همین مهم‌ترین فمینیست‌های موج دوم را شما نگاه کنید خیلی جاها مثل مردان رفتار می‌کردند، اصلاً تیپ هم مثل مردها می‌زدند. ببینید غرب در بحث زن، دو کار کرده. یک بحث این است که زن را به مثابه کالا کرده. هنوز به این بحث نرسیده‌ام، این را بعداً می‌خواهم بحث کنم. فمینیسم این نیست. فمینیسم می‌گوید زن‌ها مثل مردها بیایند در میدان، مثل مردها یعنی مثل مردها. یعنی هویت جنسیتی خود را کنار بگذارند. من فعلاً سراغ ابعاد جنسی نمی‌خواهم بروم، این بحث هم در بحث من هست. ما همیشه حجاب را در حوزه مسائل جنسی دیدیم، من می‌خواهم از حیث جنسیتی بگویم. جنسیتی یعنی زن بودن و مرد بودن صرف نظر از ابعاد جنسی. فمینیسم می‌گوید زن هم می‌تواند کنشگر باشد مانند مرد.

این شهید مطهری، واقعاً فوق‌العاده است، زمانی که موج دوم دارد در اروپا شکل می‌گیرد، ایشان دارد تحلیل می‌کند. ما الان پنجاه سال بعدش داریم تحلیل می‌کنیم. ایشان خیلی نابغه هست. ایشان می‌گوید ما طرفدار حضور زن در جامعه هستیم برخلاف یک تلقی سنتی که می‌گوید زن‌ها بروند خانه نشین شوند، پرده نشین شوند. اصلاً شهید مطهری کتاب مسئله حجاب را که نوشته دو تا حریف دارد یک حریفش فضای غربی است، یک حریفش فضای سنتی پرده نشین است. نصف کتاب با این‌ها دعواست و نصف دیگر با آن‌ها. شهید مطهری حریفش می‌گوید ما طرفدار حضور زن در جامعه هستیم اما زن در مدار خودش، مرد در مدار خودش.

مردآفرینی، نقش غیر مستقیم زن

حالا اتفاقاً یک شعر فشنگی هست که برای عمان سامانی است. مصرع اولش را ما در ذهنمان پررنگ کردیم. وقتی حجاب را فقط با این مصرع اولش جلو ببریم می‌بازیم. مصرع دومش را که الان برایت می‌خوانم درباره حضرت زینب است.

زن مگو مردآفرین روزگار / زن مگو اخت الجلال بنت الوقار

ما اشتباهمان این است که با زنان که صحبت می‌کنیم فقط از آن‌ها مردآفرین روزگار طلب می‌کنیم. زنی که مردآفرین روزگار است فقط دارد نقش غیرمستقیمش را انجام می‌دهد. اتفاقاً رکن اصلی شخصیت حضرت زینب، مردآفرین روزگار نبود، یعنی درست است بچه‌های حضرت، شهید شدند؛ ولی آن چیزی که حضرت زینب را، حضرت زینب کرد اخت الجلال بنت الوقار بود که می‌گویم.

یعنی چه؟ آقای مطهری در حماسه حسینی درباره حضرت زینب بحث می‌کند. می‌گوید زن، یک نقش غیر مستقیم در تاریخ داشته یعنی مردآفرین روزگار بوده، با مردآفرینی‌اش تاریخ را مدیریت می‌کرده. حالا یا همسرش یا فرزندش؛ اما یک نقش مستقیم هم داشته است. در نقش مستقیم سه مواجهه رخ داده. یک مواجهه سنتی که ایشان آن را نقد می‌کنند آن است که اساس نقش مستقیم را قبول ندارد] می‌گوید زن به مثابه شیء گران بها. یعنی زن، گران بها است اما شیء است. نقش آفرینی اجتماعی ندارد، پرده نشین است اما بالاست، ارج دارد، مقام دارد. در دید مرد محترم است؛ اما در پرده نه در میدان. بعد می‌رسد به غربی‌ها. می‌گوید غربی‌ها، این غربی‌ها که اینجا می‌گویند منظور، فمینیسم است منظورش جریان سرمایه‌داری نیست که بعداً سراغ جریان سرمایه‌داری می‌روم که زن را به مثابه کالا در جامعه می‌آورد، کالای جنسی. من فعلاً با این کار ندارم تعبیر ایشان آنجا این است: می‌گوید غربی‌ها زن را به مثابه انسان بی‌بها آوردند وارد جامعه کردند. الگوی مردانه‌ای برای جامعه زن قرار دادند.

نقش مستقیم زن در جامعه

[اما هردوتای اینها غلط است] اسلام زن را به مثابه انسان گران بها می‌خواهد انسان گران بها در مورد زن یعنی در عین حال که زن است، انسان اجتماعی است. در جامعه حضور فعال دارد؛ اما زنانگی خودش را حفظ کرده، نه زنانگی به عنوان امر جنسی. این کاریست که حضرت زینب(س) کرد. شاهکار کرد. این کار آنقدر پیچیده است که من یک دهه محرم فقط برای همین منبر رفتم. الگوی کنشگری اجتماعی زن مسلمان بر اساس الگوی رفتاری حضرت زینب سلام الله علیها. یک دهه منبر است بعداً همان را مقاله کردم می‌توانید ببینید. حضرت زینب خیلی پیچیده عمل کرده است. چه کار کرده؟ من یک چیزی می‌گویم برق از سرت بپرد. این وحشی‌های داعشی با سپاه عمر سعدفرقی می‌کنند؟ یا آنطرفی بگویم سپاه عمر سعد با وحشی‌های داعشی فرقی می‌کند؟ اگر می‌خواهی نمونه سپاه عمر سعد را ببینی، امروز داعش را داریم. این را سردار رضانی به خودم گفت. گفتم سردار من روی منبر می‌گویم، گفت بگو. گفتم خبر قطعی است؟ گفت بله. می‌گفت در سوریه که می‌جنگیدیم گردان حرمله داشتند. گردان حرمله یعنی چه؟ ببینید اهل سنت، حرمله را آدم حساب نمی‌کنند اهل سنت معمولی. ما با اهل سنت در باب خلفا اختلاف داریم ولی در حرمله و یزید و ... اختلاف نداریم. حالا در یزید هم برخی از وهابی‌هایشان توجیهاتی دارند؛ ولی اهل سنت حتی وهابی‌ها هم حرمله را آدم حساب نمی‌کنند. گردان حرمله یعنی چه؟ یعنی بدانید با چه کسی طرف هستید. داعشی نمونه سپاه عمر سعد است. معذرت می‌خواهم این تعبیر را می‌خواهم به کار ببرم. عذرخواهی می‌کنم حالا مجلس عمومی خوب نیست ولی می‌خواهم بفهمید که گفت حضرت زینب بنت الوقار اخت الجلال، این در کربلا چه کار کرد؟ داعشی‌ها وقتی می‌ریختند، جز این بود که اولین کارهایشان تجاوز به ناموس بود؟ غیر این بوده؟ اما آیا شما در کربلا چنین واقعه‌ای سراغ دارید؟ نمی‌دانید حضرت زینب چه کار کرده. نمی‌دانید حضرت زینب چه کار کرده. ما حضرت زینب را نفهمیدیم چون خجالت می‌کشیم این حرف‌ها را بزنیم، حیا می‌کنیم. نمی‌دانیم حضرت زینب چه کار کرده. کنشگری اجتماعی حضرت که معروف است. پیام آور کربلا است. کربلا در کربلا می‌ماند اگر زینب نبود؛ اما فقط این نیست حضرت زینب سلام الله علیها کنشگر زن است و کنشگری‌اش را با الگوی اخت الجلال و بنت الوقار چنان انجام می‌دهد که این داعشی‌های کربلا جرئت تعرض جنسی نمی‌کنند. این شاهکار حضرت زینب است. چون ما خیلی اهل حیا هستیم خجالت می‌کشیم بگویم ولی باید بدانیم چه کار کرده است. بدانیم کنشگری اجتماعی زن با حفظ هویت جنسیتی‌اش چطور می‌شود.

دفاع از جان امام بر همه واجب است یا نه؟ زن و مرد دارد؟ چرا امام حسین(ع) روز عاشورا به زنان می‌گوید نروید؟ همه می‌دانید وقتی ریختند سراغ امام سجاد(ع) حضرت زینب خودش را انداخت روی حضرت و گفت اول من را می‌کشید بعد او را. پس چرا برای امام حسین(ع) نرفت؟ ام وهب رفت، چرا امام او را بر گرداند؟ سوال خیلی سنگینی است. آقای دکتر شریعتی یک سخنرانی دارد که تیتیر سخنرانی اش فوق العاده است ولو محتوایش خیلی ضعیف است. سوال قشنگی مطرح کرده، می‌گوید چه چیزی از جان امام بالاتر است؟ از جان امام بالاتر داریم؟ از جان امام بالاتر آن چیزی است که امام جانش را برای آن فدا می‌کند. جانش، نه حقیقت قدسی امام، از حقیقت قدسی امام هیچ چیزی بالاتر نیست. جان منظور جان دنیوی است. امام حسین(ع) جانش را برای چه فدا کرد؟ برای حفظ اسلام. درست است؟ حفظ اسلام آنقدر مهم است که حضرت زینب نباید خودش را فدای جان امام حسین بکند. کربلا در کربلا می‌ماند اگر زینب نبود. برای همین نباید فدا بشود. چه مجاهدتی کرد حضرت زینب سلام الله علیها. حضرت زینب خیلی شخصیت پیچیده ای دارد، نمی‌توانیم بفهمیم. من تا حضرت زینب می‌گویم می‌روم در فاز روضه. نمی‌توانم حرف بزنم. حضرت ابوالفضل می‌آید که از برادرش اجازه بگیرد که بعد حضرت او را دنبال آب می‌فرستد. می‌گوید یا اخی سَمِئْتُ مِنَ الْحَيَاةِ ضَاقَ صَدْرِي دلم سنگین شده سَمِئْتُ مِنَ الْحَيَاةِ خسته شدم بگذار بروم انتقام بگیرم. بعد شما می‌دونید حالا علی اصغر زنده است حالا اینها را ندیده. خود امام حسین(ع) را ندیده. دل عباس تنگ آمده. حضرت زینب در عالم کنشگر اجتماعی زن چه کار می‌کند. این افق است. نیاز نیست همه زن هادر این افق باشند؛ اما یک الگو را جلوی ما گذاشته اند بفهمیم در عالم چه کار می‌شود کرد. در کربلا ورق را برگرداند. می‌دانی یعنی چه؟ ورق را برگرداند. چه کسی بعد از پایان جنگ، گریه می‌کند؟ پیروز یا شکست خورده؟ حضرت زینب ظرف یک روز بعد عاشورا ورق را برگرداند نگذاشت به کاخ یزید برسد. به کاخ ابن زیاد برسد. به سبک زنانه مجاهده می‌کند. یعنی چه کار می‌کند؟ سبک زنانه، نه سبک جنسی. سبک جنسیتی زنانه. اصلا امر جنسی از زینب نمی‌بینید. اصلا نمی‌گذارد ذهن برود به سمت امر جنسی. فضای زنانه اش را نگه می‌دارد. برادرش به او وصیت کرده: یا اختی! گریبان پاره نکنی! شب عاشورا وصیت کرد دیگر. حضرت گریبان پاره نمی‌کند، گریه ذلیلانه نمی‌کند؛ اما وقتی بالای پیکر برادرش می‌رسد چه می‌گوید؟ وا محمداه و علیاه هذا حسین بالعراء مرمل بالدماء. راوی های خود لشکر عمر سعد دو نقل دارند. دو راوی، هر دو راوی جمله شان این است: وَاللَّهِ أَبْكَتْ كُلَّ عَدُوٍّ وَ صَدِيقٍ گریه دوست و دشمن را درآورد. ابکت نه بکت. ابکت یعنی گریاند. گریه دشمن را در خود کربلا درآورد. دیروز می‌خندیدی، گریه کن باختی، من بردم. یک کنشگری زنانه در عرصه اجتماعی.

به جای دفاع از حجاب، با حجاب، حمله کنید

ما خیلی در معرفی دینمان کم گذاشتیم. خیلی می‌خواهیم از حجاب حرف بزنیم، می‌گوییم حجاب مصونیت است نه محدودیت. آدر حالی که [حجاب حمله است، ما از حجاب نباید دفاع کنیم باید با حجاب حمله کنیم باید با حجاب کنشگری زن در غرب را به چالش بکشانیم. بگوییم شما نتوانستید زن را زنانه وارد میدان کنید. شما زنان را مثل مردان کردید. زن، دست دوی مرد شد. الان زن دست دو مرد است. همین زنان فمینیست را می‌گوییم. محور ورود زنان به اجتماع را ورود به پستهای سیاسی و ... قرار دادند، اما می‌بینید که هنوز] اصل پست های سیاسی در جهان برای مردها است. حالا یک خانم مرکل هم صدراعظم می‌شود. حالا یک خانم هم می‌شود وزیر خارجه. اما فضا دست مردها است. شما می‌خواهید از احیای اجتماعی حقوق زن دفاع کنید چرا الگوی مردانه برای زن می‌آورید؟ به زن بگو زن، تو زن هستی و وارد جامعه می‌شوی. حجاب یعنی این. حجاب یعنی زن تو زن هستی و وارد جامعه می‌شوی، کنشگری اجتماعی می‌کنی. کم نمی‌گذاری. ما حجاب را اینطور معرفی کردیم که حجاب برای این است که مردان تحریک نشوند. خب این هم هست اما عامل اصلی این بود؟ برای همین است که در روضه حضرت زینب تا به تو می‌گویند معجر را کشید به هم میریزی.

حجاب حضرت زینب در عاشور چه کار می کند. اخت الجلال بنت الوقار یعنی کنشگر اجتماعی زن، که اجازه نمی دهد مخاطبش به امر جنسی فکر کند. بین اسلام چه الگویی طراحی کرده و ما با آن چه کار کردیم. معلوم شد؟

الگوی اسلام برای کنشگری زن

حجاب یعنی کنشگری اجتماعی زن با حفظ زنانگی اش، اما در عین حال اجازه نمی دهد تو وارد حریم جنسی من بشوی، حق نداری به من نگاه جنسی بکنی. من میخواهم وسط جامعه باشم من میخواهم وسط اقدامات اجتماعی باشم؛ اما در حریم خودم. من می‌آیم در جامعه، نمی‌آیم که اختلاط برقرار کنم.

دیروز گفتم بهترین چیز برای زن این است که مرد او را نبیند او هم مرد را نبیند به خودی خود. برای همین حضرت زینب سلام الله علیها با همین منطق می رود در عاشورا میدان داری می کند. بهتر این است مردی زن را نبیند زن هم مردی را نبیند؛ برای همین وقتی برای شما روضه میخوانند، ریختند داخل خیمه ها چادر کشیدند، جوش می‌آوری؛ می خواستند وارد حریم این ها بشوند، نگذاشتند! نگذاشتند!

پس حجاب چه شد؟ این یک نکته هویتی است.

۵۰۰ سال قبل این حرف را می‌زدی کسی نمی فهمید، باید نهضت احیای زنان در غرب رخ بدهد، فمینیست ها وسط بیایند، میدان الگوی زنانه تابع مرد را طرح بکنند، تا ما بفهمیم حجابی که ۱۴۰۰ سال قبل خدا گذاشته میخواهد بگوید اگر موقعیتی پیش آمد که زنان توانستند وسط میدان بیایند، موقعیت فعالیت اجتماعی زنان پیش آمد، ای زنان یادتان باشد که شما زنید، شما کالای جنسی نیستید، مرد نیستید.

آدم غصه‌اش می‌گیرد. بابا! زن زندگی آزادی شعار ماست یا آنها؟ وقتی آزادی را گفتم آزادی جنسی، خروجی «زن زندگی آزادی» می‌شود بی حجابی. آزادی را گفتم آزادی انتخاب گری، «زن زندگی آزادی» می‌شود شعار ما. برای همین است که در خارج ایران، حجاب، خیلی معنادار است.

برای بسیاری از زنان ایرانی ما حجاب معنا ندارد. در خارج ایران، زن، حجاب داشتنش را انتخاب می‌کند. میخواهد آزاد باشد؛ نمیخواهد ابزار جنسی بشود. چون نمیخواهد ابزار جنسی بشود میخواهد خودش باشد. میخواهد زن باشد؛ اما غرب می‌گوید نباید این طور بشوی یا باید مدل مردانه بیایی، یا کالای جنسی!

اسلام شاهکار کرده. در حد فهم خودمان آن را پایین می‌آوریم و خرابش می‌کنیم. واقعاً شاهکار نیست؟ کی میتوانست هزار سال قبل فکر کند مدرنیته رخ می‌دهد؟ این وضعیت رخ می‌دهد.

خود زن ها در اروپا این را فهمیده اند به نحو ناخودآگاه، نمی‌آیند تحلیل کنند؛ زن، حجاب را انتخاب می‌کند. فشار اجتماعی می‌کشد و انتخاب می‌کند. بعد با مدل های غلطی که ما بعضی وقت ها پیاده می‌کنیم این انتخاب را از زن می‌گیریم.

من نمیخواهم بگویم بی قانونی. من از قانون حجاب دفاع خواهم کرد، من همچنان معتقدم که قانون حجاب باید بماند.

قانون، بدون اجبار

دیروزم گفتم ان شالله برسیم برایتان تبیین می کنم چه طور میتوانی قانون داشته باشی، مردم هم رعایت کنند؛ اما اجبار نباشد.

حالا ساده اش را می گویم فقط ذهنتان درگیر شود. این همه قوانین اقتصادی داریم، این همه قوانین فرهنگی داریم چند تا از این ها را با زور می رویم اجرا می کنیم؟ و چند تا دارد اجرا می شود؟ فقه، همه اش قانون است. معاملات، همه اش قانون است. ما می آییم اجبار کنیم؟!

جمع بندی دو دلیل هویتی

پس تا حالا دو نکته را در بحث هویتی گفتم.

این تغییرات فرهنگی که در جهان رخ داده موجب شده حجاب بالا بیاید.

۱- حجاب نماد مسلمانی شده ۲- حجاب مدل کنشگری خاص برای زن ایجاد می کند. می گوید زنان میتوانند در جامعه حاضر شوند. غربی ها با فمینیسم آمدند. برای همین حجاب، نقطه مقابل جهان فمینیسم است.

در مقابل فمینیسم دو جریان در حوزه زنان سراغ داریم. یک جریان سنتی پرده نشین، که متاسفانه خیلی وقت ها ما که با فمینیسم می خواهیم درگیر بشویم این الگو را ترویج می کنیم. زنان هم ناراحت می شوند. من به آن ها حق می دهم. به آنها می گویم برو در پستو، خب زن هم آدم است، زن هم انسان اجتماعی است، حق کنشگری دارد. [دومی این است که] در قبال الگوی فمینیستی، اسلام الگو داده است. زن با حفظ هویت خودش بیاید.

بروم عامل سوم. عامل سوم و چهارم به پدیده عفاف به معنای کلی اش برمی گردد.

این سوم و چهارم راحت فهم تر است. اگر آن اول و دوم را خوب بفهمی، معنای این سوم و چهارم هم عوض می شود [عمیقتر فهمیده می شود].

عامل سوم هویتی: انقلاب جنسی

عامل سوم، انقلاب جنسی است. انقلاب جنسی در دهه ۱۹۶۰ در اروپا شروع شد. اتفاقاً انقلاب جنسی یکی از عواملی است که بعد هویتی را پررنگ کرده. یعنی چه؟

فرهنگ جهانی پوشش تا قبل از انقلاب جنسی

می دانید زنان در طول تاریخ عموماً دارای پوشش مناسبی بودند. نه فقط مسلمان ها، شما راهبه های مسیحی را نگاه کنید. این پوشش اصلی مسیحیان بوده. شما این فیلم های قبل از ۱۹۶۰ کارخانه های روسیه را ببینید. کارگرهای خانم که بیرون می آیند شال روی سرشان است. حالا ممکن است پوشش کامل سر نباشد؛ اما پوشاندن سر در تمام فرهنگ های سنتی، (سنتی یعنی دوره قبل از مدرن مخصوصاً قبل از دوره انقلاب جنسی)، یک پدیده ی بسیار رایج بوده. با انقلاب جنسی در غرب فرهنگ برهنگی شروع شد. مسیحیت شریعت ندارد. مسیحیت مدرن را دارم می گویم. چون شریعت ندارند رها کردند. سریع رفتند در فاز برهنگی. یهودیان انقدر رها نکردند، برای همین فیلم های اسرائیلی را نگاه کن هنوز در اسرائیل زن ها با حجاب هستند. زنان یهودی را

می‌گوییم، نه زنان مسلمان؛ ولی چون تعداد یهودی‌ها در جهان خیلی کم است نماد یهودیان نشده؛ ولی مسلمان‌ها در مقابل فرهنگ برهنگی ایستادند. اینکه دارم می‌گوییم فقط ایران نیست، بحث من جهانی است. چون در شریعت مسلمانان، حجاب بود، در مقابل فرهنگ برهنگی ناخودآگاه مقاومت کردند، حجاب شد پوشش زن مسلمان. ۵۰۰ سال قبل همچنین مسئله ای نداری. ۵۰۰ سال قبل وقتی اسلام می‌گفته حجاب زنان غیر مسلمان، آزاد است، معنایش این نبود که زنان غیر مسلمان بی‌روسری به خیابان می‌آیند. چون حجاب یک نماد کرامتی بود، نماد اعتبار اجتماعی بود، برای همین زنان غیر مسلمان هم عملاً باحجاب بودند؛ اما اسلام این قالب حجاب را برای مسلمانان قالب‌گیری کرد. یک کاری کرد می‌دانست قرن‌ها بعد این انقلاب جنسی رخ می‌دهد، جنگ تمدنی رخ می‌دهد، می‌خواست امروز ما کم‌نیاوریم. خدا قانون‌های شریعت را برای امروز و فردا نمی‌گذارد. خدا هزار سال قبل می‌دانست امروز چه می‌شود یا نمی‌دانست؟ ما می‌گوییم شریعت خاتم، نفهمیدیم شریعت خاتم یعنی چه.

اگر هر صورت بحث ما این بود که پوشیده زنان در تمام جوامع گذشته امری عادی بود [الان در کتیبه‌های تخت جمشید هم نگاه می‌کنید زنان حجاب دارند. فرهنگ پوشش تا قبل از انقلاب جنسی، یک فرهنگ جهانی بود.

مقابله مسلمین با انقلاب جنسی

انقلاب جنسی این فرهنگ را گرفت. آنجایی که قانونشان بادینشان گره نخورده بود، یعنی جوامع مسیحی، خیلی راحت این مسئله بر فرهنگشان مسلط شد. در جوامع مسلمان، قانون نزد مسلمانان بود، نه نزد حکومت. شریعت، نزد مسلمانان بود. مسلمانان حجاب را نگه داشتند. چون حجاب را نگه داشتند تبدیل به نماد هویتی شد. اما نگه داشتن حجاب، تدبیری بود که فرهنگ برهنگی رواج پیدا نکند تا حیا باقی بماند.

حجاب، پشتوانه حیا

فرهنگ مدرن، فرهنگ ضد حیاست. بر مخالفت با حیا اصرار دارند. حیا در معارف دینی، رده بالایی دارد. رتبه اول. چرا؟ حدیث بخوانم. در کافی جلد ۱ صفحه ۱۰ متنش را ننوشتم کاش می‌نوشتم از روی متن می‌خواندم. انقدر این حدیث را گفتم جلد و صفحه اش را یادم هست. می‌گوید خدا به جبرئیل گفت حیا، عقل و دین؛ این ۳ تا، را ببر و به آدم بگو از بین آنها یکی را انتخاب کند. جبرئیل آمد به آدم گفت بین این سه تا یکی اش را انتخاب کن. آدم نگاه کرد عقل را انتخاب کرد. چه دینی داریم! آدم عقل را انتخاب کرد. جبرئیل به حیا و دین گفت برگردید. این یکی برای آدم است. آن دوتا گفتند به ما دستور داده شده جایی که عقل هست ما باید همانجا بمانیم، حق نداریم برویم. پس عقل و دین و حیا در یک رده هستند.

لا دین لمن لا حیا له

الحياء و الايمان مقرونان في قرن واحد فاذا سلب احدهما تبعه الاخر. (کافی، جلد ۲، صفحه ۶)

گفتم حجاب به خودی خودش رده نودم بود، هشتم بود؛ اما حجاب پشتوانه ای است برای حیا. این پشتوانه تا ۲۰۰ سال قبل تا ۳۰۰ سال قبل در تمام جوامع عادی عمل می‌کرد. انقلاب جنسی چه کار کرد؟ این پشتوانه را زد. در بقیه جوامع، بی‌حیایی، شروع شد به عادی شدن.

راسل سالها قبل این حرف را می‌زند. می‌گوید عشق شرقی، عشق غربی. می‌گوید عشق غربی، بی‌خاصیت است، چون زنان دم دستند راحت آدم میتواند هر کاری بکند. عشق شرقی خیلی باحال است چون زن، پوشش دارد و آدم نمیتواند هر زنی را ببیند. شرقی آن زمان، جهان اسلام بود.

شریعت تدبیری کرد که این پشتوانه مهم حیا، حجاب باشد و باقی بماند. خدا در دینش چه کار کرده!

عامل چهارم هویتی: سرمایه جنسی

چهارمین محوری که به لحاظ هویتی مهم است، بحث سرمایه جنسی است. الان تیتروار می‌گوییم و فردا اگر رسیدیم توضیح می‌دهم.

من دارم چه می‌گوییم؟ آن‌هایی که کمی دیر رسیدند ببینند دعوا سر چیست. بحث ما سر این بود که حجاب به خودی خودش یک حکم هشتادم، نودمی است؛ اما وضعیت زمانی ما به گونه‌ای است که حجاب در رده‌های خیلی بالا قرار گرفته است، در رده‌ی ربا، در رده‌ی مبارزه با ربا، رده‌ی مبارزه با فقر، لذا در حکومت دینی، یک مسئله است. بحث ما این بود سه مطلب را تا به حال گفته‌ام. یک اینکه حجاب نماد تصویری شده، دوم اینکه حجاب به زن یاد می‌دهد کنشگر زنانه باش اما جنسی نباش. سوم این که انقلاب جنسی در غرب رخ داده، فرهنگ برهنگی رایج شده و اسلام نمیخواهد حیا از بین برود. اگر حیا برود، دین می‌رود، عقل می‌رود.

ورود ادبیات سرمایه جنسی در غرب

چهارمین عامل در دوره‌ی خیلی مدرن، پیش آمده است. خیلی جدید است. بعد از انقلاب جنسی با فاصله رخ داد. اگر انقلاب جنسی را بگوییم ۱۹۶۰، این حرف‌ها برای نزدیک‌های ۱۹۹۰، ۲۰۰۰ است. بورديو که بحث انواع سرمایه‌ها را خیلی قبل از ۲۰۰۰ مطرح میکنند، اما بعد از ۲۰۰۰ با کلمه‌ی سرمایه‌ی جنسی در ادبیات علوم اجتماعی مواجه می‌شویم.

سرمایه‌ی جنسی یعنی چه؟

مارکس با سرمایه‌داری درگیر بود و سرمایه‌ی اقتصادی برایش مهم بود. بورديو می‌گوید فقط سرمایه‌ی اقتصادی نداریم. آن‌اویل دوره‌ی مدرن بوده که سرمایه‌دارها سرمایه‌ی اقتصادی داشتند. الان سرمایه‌ی اجتماعی آمده. یک عده سرمایه‌اجتماعی دارند و با سرمایه‌اجتماعی، کار می‌کنند. مثلا سلبریتی‌ها ممکن است سرمایه‌اقتصادی‌شان پایین باشد؛ اما سرمایه‌اجتماعی آنها بالاست. اتفاقا بورديو معنای منفی سرمایه‌اجتماعی را به کار می‌برد. هنوز بورديو بحث سرمایه‌جنسی را مطرح نمی‌کند. ۲۰۰۰ به بعد در ادبیات غربی خودشان می‌گویند سرمایه‌ی جنسی.

معنای سرمایه جنسی

میدانی یعنی چه؟! ساده‌اش را بگوییم، تفسیرش برای فردا شب. ساده‌اش یعنی این: نظام سرمایه‌داری هر چه را ببیند تبدیل به سرمایه می‌کند، با آن، معامله کالا می‌کند. غربی‌ها دیدند در فرهنگ برهنگی، سرمایه‌ی جدید پیدا کردند، سرمایه‌جنسی! چه کسی صاحب این سرمایه است؟ خانم‌ها! پس باید نگاه جنسی به زن را تقویت کنند، پس زن باید از سرمایه‌ی جنسی‌اش خرج کند.

مثال ساده بزنم. خیلی از مغازه دارها می‌گویند نیازمند یک فروشنده ی خانم با روابط عمومی بالا هستیم. یعنی چه؟ همه می‌فهمند یعنی چه! یعنی من می‌خواهم، تو سرمایه جنسی ات را خرج کنی برای سود من. خانمی که خوش بر و رو نیست، سرمایه ی جنسی اش پایین است. تو سرمایه ی جنسی بالا داری، من باید مفت سرمایه ی جنسی ات را خرج کنم سود من بالا برود.

حالا ان شالله فردا شب می‌گویم این سرمایه ی جنسی چه کار دارد می‌کند!

در جهان ما برای اینکه از حقوق زن دفاع کنیم، برای اینکه سرمایه ی جنسی زن برای خودش بماند، اختیار خرجش را داشته باشد، زن می‌خواهد این سرمایه ی جنسی اش را برای شوهرش خرج کند، نمی‌خواهد برای هرکسی خرج کند. صاحب اختیار باید خودش باشد، باید حجاب داشته باشد.

خدا با حجاب چه کار کرده! یک حکم فرعی فقهی گذاشته و دوره ی مدرن را مدیریت اجتماعی کلان کرده است.

این سرمایه ی جنسی خیلی بحث دارد، ان شالله فردا بحثش را می‌گویم. ببینید چه پیچیدگی هایی دارد.

قسم خوردن کار مکروهی است و گرنه من قسم می‌خوردم، مطمئن باشید اگر قانون حجاب در این کشور برداشته شود، اولین ضرر کننده اش خود زنان هستند و خواهید دید مؤسسات خصوصی و بعد آن، مؤسسات دولتی خانم ها را به بی حجابی ملزم می‌کنند، اگر این نشد! من این را گفتم، ثبت هم شد، ضبط هم شد ببینید اگر غیر از این شد! همین الان خبر دارید بعضی مؤسسات خصوصی کار هایی می‌کنند چون حیف است [استفاده نکنند!] سرمایه مفت است، چرا من این سرمایه را استفاده نکنم!؟

مقدمه: امتحان الهی و بار امانت

« السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُتَحَنُّهُ امْتَحَنَكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ فَوَجَدَكَ لِمَا امْتَحَنَكَ صَابِرَةً وَ زَعَمْنَا أَنَا لَكَ أَوْلِيَاءُ وَ مُصَدِّقُونَ وَ صَابِرُونَ لِكُلِّ مَا أَتَانَا بِهِ أَبُوكَ ص وَ أَتَانَا بِهِ وَصِيَّهُ ع فَإِنَّا نَسْأَلُكَ إِن كُنَّا صَدَقْنَاكَ إِلَّا الْحَقَّتْنَا بِتَصَدِيقِنَا لَهُمَا بِالْبُشْرَى لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا بِأَنَّا قَدْ طَهَّرْنَا بِوَلَايَتِكَ.»

این سلامی که به حضرت زهرا خواندم که فرازی از زیارت‌نامه حضرت زهرا(س) است، حضرت زهرا را به عنوان کسی که مورد امتحان الهی واقع شده، مطرح می‌کند و در قبال این امتحان، حضرت صبر کردند و ما هم ادعا می‌کنیم که ما هم می‌خواهیم در مقابل آنچه که پدرش یعنی حضرت رسول خدا و وصی او یعنی امیرالمومنین آورده، صبر کنیم. یعنی ما هم در رده امتحاناتی که آنها می‌خواهند با ما انجام شود، وارد شویم.

« إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا»

ما یک امانتی را بر زمین و آسمان‌ها و کوه‌ها عرضه کردیم، «فاشفقن منها» ترسیدند، جرأت نکردند «و حملها الإنسان» و انسان بر دوش کشید، یکی هم شد حضرت زهرا(س)، یکی شد امیرالمومنین(ع). یک عده هم کم آوردند. ظلوم و جهول شدند.

این امانت چیست؟ در خیلی از روایات گفتند ولایت است. مرحوم فیض روایات را جمع‌بندی می‌کند و می‌گوید اصل این امانت که ولایت و مصادیق دیگری دارد، اصلش تکلیف است، به تعبیر دیگر اختیار، به تعبیر سوم کنشگری است. یعنی ما می‌توانیم آگاهانه انتخاب کنیم، البته ممکن است انتخابی کنیم که ظلوم و جهول شویم.

موضوع ما درباره حجاب بود و کنشگری زن. حضرت زهرا (س) آن کنشگری است که امتحانش را در رده‌های بالای عالم داده و در فضای کنشگری صبور بود. کم نگذاشت. همه‌اش را رعایت کرد و ما هم می‌خواهیم اقتدا کنیم به آنها. البته اقتدا به حضرت زهرا خیلی سنگین است. برای همین هیچ زیارتی دیگر از اهل بیت ندیدم این تعبیر را که «و زَعَمْنَا أَنَا لَكَ أَوْلِيَاءُ» گمان می‌کنیم ولی شماییم. گمان می‌کنیم شما را تصدیق می‌کنیم. گمان می‌کنیم ما هم صبر داریم.

مروری بر جلسات گذشته

بحث ما سر حجاب بود که می‌خواهد کنش‌گری زن را در دوران مدرن رقم بزند. روزهای قبل بحث ما سر این بود که حواستان باشد، حجاب به خودی خودش مثل ۵۰۰ سال قبل، ۱۰۰۰ سال قبل این معنایی که امروز دارد را نداشت. برای همین است که حجاب به خودی خودش به عنوان یک حکم فرعی فقهی، در رده‌های هشتادم و نودم قرار می‌گرفت. اولویت آنچنانی نبود برای جوامع. اما وقایعی در جهان رخ داد که حجاب اهمیتش بالا آمد. آن وقایع را یک مقدار روزهای قبل توضیح دادم. امروز می‌خواهم یک مقدار دیگر همان وقایع را توضیح بدهم تا ما بفهمیم خدا چه کار کرده. چطور قانون ۱۴۰۰ سال پیش، وضع امروز را پیش‌بینی می‌کند. پیش‌بینی نمی‌کند، خدا می‌داند. دارم با ادبیات خودمان می‌گویم. می‌داند چه می‌خواهد برای ما رخ دهد و برایمان طراحی می‌کند. یاد می‌دهد. خیلی بد است که ما از احکام دین دفاع می‌کنیم. نمی‌رویم با آن‌ها حمله کنیم. خیلی بد است. دینداری‌مان اشکال دارد. دین الهی، خدا که همه چیز را می‌داند، برنامه داده‌است، ما در مقابل علوم غربی کم می‌آوریم. خب نرفتم دین‌مان را درست

بخوانیم. علوم انسانی جدید می‌تواند انسان را مدیریت کند، خدا نمی‌تواند؟! نعوذ بالله. کم می‌آوریم. چرا؟ حالا من گاهی وقت‌ها از این برخی متفکران غربی اسم می‌برم، می‌خواهم بگویم ما اینها را خواندیم ما هم بلدیم. ولی این نیست. عمق معرفتی پایین است. بگذریم. برویم سراغ بحث خودمان.

عصر نمادهای تصویری

نکته من این بود که حجاب، بعد هویتی پیدا کرد، این بعد هویتی اش خیلی مهم است. این یک طراحی الهی بوده. ۱۴۰۰ سال قبل. ولی هرچی بوده، این را الان باید بفهمیم. ما با یک پدیده دیگری مواجهیم. فقط با اینکه حیا و عفاف رعایت بشود، مردها تحریک نشوند، سروکار نداریم. با یک پدیده بسیار متفاوت سروکار داریم. دارم مرور سریع می‌کنم تا بیایم بحث‌مان را بیشتر باز کنم.

گفتیم یک نکته هویتی این است که ما در عصر رسانه‌های تصویری به سر می‌بریم. به قول هایدگر در عصر تصویر جهان به سر می‌بریم. در عصر تصویر جهان، نمادهای تصویری، قیافه افراد موضوعیت دارد. برای همین است که ریگان، رئیس جمهور می‌شود. بازیگر سینما. این در عصر رسانه‌های تصویری معنا دارد. برای همین است که این آقای نیل پستمن در کتابش می‌گوید بعد از پیدایش صنعت تلویزیون، دیگر باید خوش تیپ باشی تا رئیس‌جمهور شوی. از این بگیرد تا عرصه‌های مختلف. بعد در این فضا، مسلمان‌ها که این حکم اسلامی‌شان به خاطر شریعت‌شان بود، نگه داشتند، خود به خود نماد تولید شد. ببینید لباس من هم لباس روحانیت است. برای شما معنی دارد. اما در جهان معنی ندارد. من یک سفری، رفته‌بوم اجلاس یونسکو حدود ۱۰-۱۵ سال قبل. در هند بود. طرف آمد گفت: Where are you from? گفتم I'm from Iran گفت your president is Saddam Hossein? بین ایران و عراق (Iraq) فرقی نمی‌گذاشت. گفت این لباس [اشاره به لباس روحانیت] چیست پوشیدی؟ چقدر قشنگ است. شما هندو هستی؟ بابا ما مسلمانیم. لباس من با اینکه لباس پیامبر است و شما می‌دانید، نماد نشده در جهان. چون مسلمانان این را نمی‌پوشند. یک عده‌ای می‌پوشند. اما خانم‌ها، پوشش‌شان نماد شد. گفتم اینکه حجاب زن نماد شد کار ما و انقلاب ما نبود. کار جهانی بود. در عصر تصویر جهان رخ داد.

فمینیسم و کنشگری زن

نکته دوم، کنشگری زن. فمینیسم آمد اصرار کرد که زن‌ها هم کنشگر باشند. چه نوع کنشگری؟ به سبک مردانه. اسلام از اول می‌دانست زن‌ها قرار است کنشگر بشوند، حالا ۱۰۰۰ سال طول بکشد، طول بکشد. یک چیز عجیبی در دستگاه خدا هست، ما باورمان نمی‌شود. خدا صبرش خیلی زیاد است. خیلی زیاد. یک برنامه می‌گذارد، می‌گوید ۱۰۰۰ سال دیگر جواب بگیرد. من چه عجله‌ای دارم. حالا الان برای ما قابل فهم است، شما بروید زمان اهل بیت. خیلی از شیعیان فکر کردند که امام زمان بعد از اینکه غیبت کبری شروع شد، کی ظهور می‌کند؟ ۵ سال دیگر، ۶ سال دیگر، ۱۰ سال دیگر، ۲۰ سال دیگر. به آنها می‌گفتی تا ۱۲۰۰ سال بعد هنوز ظهور نکرده، باورشان نمی‌شد. این خیلی بحث‌های قشنگی دارد. ما در عین اینکه منتظر امام زمان هستیم، اما خدا منتظرِ الکی نیست. إِنَّ اللَّهَ لَا يَعْجَلُ لِعَجَلِ الْعِبَادِ شما عجله داری. خدا عجله ندارد. آمدی به میدان، آمدی پای کار، می‌آید. نیامدی، ۱۰۰۰ سال دیگر عقب می‌افتد. برای خدا هیچ مشکلی ندارد. ما آخر انقدر شهید دادیم. خب پیامبر هم آنقدر شهید داد. امام حسین هم شهید شد. هیچ چک سفید امضایی نداریم. اگر ایستادی، می‌آید و گرنه نمی‌آید. برای اینکه خدا برنامه‌های خیلی پیچیده دارد. ۱۰۰۰ سال قبل، تدبیری کرده‌است که امروز ما این تدبیر را می‌فهمیم. گفته زنان. ما می‌دانیم زنان را حالا حالاها به میدان نمی‌آوردند. به زن‌ها اجازه ورود به میدان نمی‌دهند. اما در غرب نهضت فمینیست‌ها راه می‌افتد و پرچم‌دار می‌شوند، الگوی مردانه پیاده می‌کنند. [خدا می‌گوید] من از اولش برای شما مسلمان‌ها یک چیزی گذاشتم، زن‌هایتان یاد بگیرند وقتی می‌خواهند کنشگر اجتماعی بشوند

با مردها تفاوت داشته باشند. در عین اینکه زن هستند، کنشگر اجتماعی بشوند. برای همین اگر فمینیسم، واقعا فمینیسم بود، اسلامی بود. من گفتم فمینیسم غربی، مردسالار است. من میخواستم امروز بحث سرمایه جنسی را توضیح بدهم، احساس کردم خیلی دارم غربی حرف می‌زنم. گفتم بگذار کمی اسلامی هم حرف بزنم. همه اش دارم در ادبیات جهانی حرف می‌زنم. [با خودم] گفتم بگذار مقداری حجاب را از منظر عرفانی تحلیل کنم.

بابا دست بردار تو هم! حجاب و عرفان، اینها را به هم می‌چسبانی؟

حالا من می‌چسبانم بین می‌چسبید یا نمی‌چسبید.

حجاب از منظر عرفان اسلامی

علامه طباطبایی، یک استدلالی در رساله الولایه یا رساله الانسان می‌آورند. ما محضر حاج آقای عابدینی که خیلی از شما این بزرگوار را می‌شناسید، این رساله را می‌خواندیم. با ۱۵ مقدمه یک استدلال می‌آورد درباره اینکه فنا چگونه با عمل به احکام شریعت حاصل می‌شود. ۱۵ مقدمه عرفانی دارد که من اینها را در سه مقدمه خلاصه‌اش کردم. خدمت حاج آقا یکبار گفتم حاج آقا من اینها را رو منبر گفتم. گفت آخر این حرف‌ها را، آدم روی منبر می‌زند؟ گفتم ما گفتیم مردم هم فهمیدند. حالا من هم می‌گویم، ببینید شما می‌فهمید یا نه. مخصوصا اگر توجه کنید به وجه کنشگری، در حجاب خیلی معنا پیدا می‌کند. آن استدلال را بگویم. می‌خواهم بگویم این مسئله دینی با انسان‌ها چه کار می‌کند. یک موقعی هست که شما با حجاب مثل مثلا نجس تمیزی مواجه می‌شوی. نجس تمیزی هم در اسلام داریم دیگر. یک حکم فرعی فقهی. دستت پاک باشد یا نجس باشد. حجاب داشته باشی یا نداشته باشی. یک مواجهه این شکلی داری. در این مواجهه شاید این حرف‌های من جواب ندهد. ولی امروزه که حجاب تبدیل به کنشگری زن و انتخاب زن، شده است جواب می‌دهد. قبل از اینکه استدلال عرفانی را بگویم، یک نکته بگویم. یکی از اشتباهاتی که ما آخوندها در بحث‌هایمان داریم، این است که گاهی الگو را آنقدر بالا می‌بریم که دیگر افراد نمی‌توانند به آن برسند. من دیروز یک مقدار درباره حضرت زینب صحبت کردم که الگوی کنشگری زن، حضرت زینب است. حالا کسانی که بودند یادشان هست، دیگر نمی‌خواهم تکرار کنم. بعدا با خودم گفتم نکند باز من این اشتباه را تکرار کنم. حالا می‌خواهم بگویم خانم‌ها با همین حجاب ساده‌شان چه کارهای عظیمی می‌توانند انجام بدهند. یعنی نیاز نیست که در موقعیت حضرت زینب قرار بگیریم. برای همین هم می‌خواهم این بحث عرفانی را مطرح کنم. این بحث عرفانی از استدلال علامه گرفته شده است. بخواهی مناقشه و بحث فلسفی با من بکنی، باید آن استدلال ۱۵ مقدمه‌ای را بگویم. من در ۳ مقدمه خلاصه‌اش کردم که ساده‌فهم باشد وگرنه اگر بخواهیم کامل بگوییم، خیلی طولانی می‌شود. این سه تا مقدمه هم این است:

ببینید خواسته‌ی یک نفر، جزئی از اوست. معلوم است دیگر. من یک چیزی، مثلا آب دلم می‌خواهد. این خواسته من کجاست؟ خود خواسته‌ام را می‌گویم. آب را نمی‌گویم. اینکه من آب دلم می‌خواهد، این خواسته کجاست؟ جزء من است دیگر. معلوم است؟ خوب. این مقدمه اول. وقتی من یک دستوری می‌دهم، هر کس یک دستور می‌دهد، دارد خواسته خودش را ابراز می‌کند. می‌گویم برای من آب بیاور. شما چه می‌فهمی؟ من آب دلم می‌خواهد. دلم می‌خواهد. این خواسته در من است. خوب. این مقدمه اول.

مقدمه دوم، اینکه با دوتا مقدمه دارم می‌گویم. انقدر ساده است الان همه تعجب می‌کنند. وقتی ما دستور خدا را عمل می‌کنیم، دستور هر کس، حالا آدم عادی را شروع کنیم تا برسیم به خدا. دستور یک کسی را عمل می‌کنیم، این دستور با عمل ما در عالم محقق می‌شود. درست است؟ می‌گویند این کار را بکن. مثلا می‌گویند نردبان را بگذار آنجا. من به شما می‌گویم نردبان را بگذار آنجا.

وقتی شما نردبان را می‌گذاری آنجا، خواسته من در عالم محقق می‌شود. درست است؟ می‌گویم آب می‌خواهم. وقتی آب می‌آوری و می‌خورم، به خواسته‌ام می‌رسم. درست است؟ استدلال ما تمام شد. حالا چه شد؟

عمل به دستور خدا، فناء فی الله

دقت کنید. آن استدلال پیچیده علامه، اصلش همین دو مطلب است. هر دستوری که خدا داده، خواسته‌ی خداست. علامه آنجا می‌خواهد توضیح بدهد که فناء فی الله چگونه حاصل می‌شود. فناء فی الله در مرتبه فعل. فناء فی الله شنیده‌اید دیگر؟ فانی در خدا شدن. البته در مرتبه فعل، در مرتبه ذات نیست. کسانی که فلسفه می‌دانند، می‌دانند فرقی چیست. فناء فی الله چگونه حاصل می‌شود؟ آقا! فناء فی الله را باید بروی سیر و سلوک عرفانی بکنی، چکار بکنی، چکار نکنی! نه. خیلی ساده است. خدا دستور می‌دهد، دستور خدا متصل به خدا است. شما دستور خدا را در عالم محقق می‌کنی، ایجاد می‌کنی، شما با دستور خدا متحد می‌شوی، با خدا متحد می‌شوی. فهمیدی چه شد؟! حالا با یک تمثیلی که از ادبیات دینی استفاده می‌کنم، این را ساده‌تر می‌کنم. استدلال ساده بود. دستور خدا متصل به خداست. شما دستور خدا را در عالم می‌آوری وارد عالم می‌کنی. یعنی شما خواسته خدا را وارد عالم کردی. یعنی شما با آن کارت، خواسته خدا را در عالم نشان دادی. خواسته خدا هم که به خدا وصل است دیگر. فناء در مرتبه فعل.

حالا با یک مثال ساده‌تر بگویم. ما می‌خواهیم به مقام قرب برسیم. به خدا برسیم. درست است؟ بخواهیم برسیم باید وسیله‌ای برداریم: «بَتَّغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (سوره مائده، آیه ۳۵). وسیله برداریم برویم به خدا برسیم. ما، خدا، وسیله. شما می‌خواهی از اینجا که در تهرانی، بروی مشهد. با ماشین می‌روی. ماشین دم در هست، می‌خواهیم برویم مشهد. ۴ چیز داریم: یکی من هستم، یکی ماشین، یکی تهرانی، یکی مشهد. حالا وقتی می‌خواهیم سراغ خدا برویم، این چهارتا با هم قاطی می‌شوند. یعنی چه؟ یعنی وسیله‌ای که می‌خواهی با آن به سمت خدا بروی، عمل توست. الصلاه معراج مومن. نماز وسیله تقرب به خدا است. این وسیله، بیرون من است یا جزء من است؟ جزء من است. این نماز را من می‌خوانم. این نیست که من بروم سوار ماشین بشوم، ماشین آنجا باشد، من اینجا باشم. بخواهم نماز بخوانم شروع می‌کنم: الله اکبر، نماز می‌خوانم. پس وسیله، با من که متحرکم، یکی شد. حالا عنصر سوم: مبدا کجاست؟ خودم هستم. الان تهرانی غیر از من است. وقتی می‌خواهم بروم مشهد. اما وقتی می‌خواهی به قرب خدا برسی، وسیله و مبدا و متحرک، هر سه یکی شد. خب. حالا این وسیله من را چطور سمت خدا می‌برد؟

این وسیله، خواسته خدا است. چون خواسته خدا است به خدا وصل است؛ تا این وسیله را سوار می‌شوی به خدا وصل می‌شوی. نماز که می‌خوانی، می‌روی سراغ خدا. الصلاه معراج المومن. با نماز به خدا متصل می‌شوی. فقط باید بفهمی متصل شدی. به این می‌گویند حضور قلب. شما بعضی وقت‌ها سوار می‌شوی، نمی‌فهمی سوار شدی، چون نمی‌فهمی سوار شدی، سوار نشدی. فرق وسیله خارجی و معنوی، این است. شما ممکن است وسیله خارجی سوار شوی، نفهمی سوار شدی ولی چون سوار شدی، می‌رود. ولی وسیله‌ای که قرب می‌آورد، باید بفهمی سوار شدی. برای همین است که شما با نماز، معراج می‌روی. معلوم شد؟ سخت بود؟ معلوم است دیگر.

خب. حالا چه ربطی داشت به حجاب؟ دقت کن. گام به گام می‌رویم بین حجاب برای خانم‌ها چه چیز شیرینی است. بعد همه آقایان غصه می‌خورند که چرا حجاب بر ما مردها واجب نشد!

نماز، معراج مومن است. معلوم شد چطور معراج است دیگر؟ وسیله است. شما سوار وسیله می‌شوی، وسیله با خدا متحد است. اگر حضور قلب داشتی، با نمازت به خدا می‌رسی. نیاز هست بروی این طرف و آن طرف تا به خدا برسی؟ نه. تو حضور قلب داشته باش. محضر خدا هستی. به قرب رسیدی و تمام شد و رفت. درست است؟ خب. حالا همه واجبات این طور هستند نه فقط این. نماز چقدر طول می‌کشد؟ برای شما که جزء اولیاء الله هستید، نیم‌ساعت، برای من که جزء آدم‌های عادی‌ها هستم، ۵ دقیقه. ۵ دقیقه به خدا وصل

می شویم. ای خدا! ۵ دقیقه با حضور قلب می شود با خدا صحبت کنیم؟! نمی توانیم دیگر. خودت باید تصمیم بگیری. آن نکته کنشگری اینجاست. خودت باید بخوای تا وصل شوی. درسته؟ خب.

یک واجب دیگر به اسم روزه داریم. دیده اید ماه رمضان عموماً همه خوب می شوند؟ آدمها خیلی علیه السلام هم نیستند ولی عمده آدمها خوب می شوند. خیلی هم اهل تقوا و ایمان و اخلاص و اینطور چیزها هم نیستند. ولی خوب می شوند. می دانی چرا؟ چون این وسیله ۱۲ ساعت، ۱۰ ساعت، به خدا وصلت می کند. بعد همان موقع که سحری خوردی، قصد قربت کردی، می خوابی. غالباً بعد سحر می خوابیم. بعد که خوابیدیم تا بیدار شویم، وصل هستیم. بنابراین خواب روزه دار عبادت است. هنوز غیبت نکردیم، گناه نکردیم. همین گونه که عمل واجب ما را به خدا وصل می کند، عمل حرام ما را از خدا جدا می کند. با همین مکانیزم. هنوز چون خوابیدیم بیدار شدیم نیم ساعت، یک ساعت، دو ساعت، وصل بودیم، هیچ کاری هم نکردیم. بیدار می شویم، اولین غیبت را می کنیم، اتصال مان دچار چالش می شود. حالا روزه را از ما قبول می کنند ولی اتصالات مشکل پیدا کرده. خب. این را می خواهیم بگویم که هر کس روزه بگیرد، یک وصل خود به خودی می شود. این وصل خود به خودی حال همه را خوب می کند. شما در ماه رمضان می بینید در مجموع، اغلب آدمها خوب هستند؛ با اینکه گناه هم می کنند. بابا! این از صبح تا ساعت ۲ بعدازظهر که اولین گناهایش را انجام داد، غیبت کرد، دروغ گفت، تهمت زد، هر گناهی کرد، تا الان وصل بود دیگر. نمازهای ما ۵ دقیقه است، یک ثانیه اش [متوجه هستیم که] وصل هستیم [خیلی اثر کی گذارد اما عملاً] ۵ دقیقه وصل هستیم، خودمان متوجه نیستیم. اگر توجه کنیم، خیلی رشد می کنیم. وگرنه باز هم وصل هستیم. همین نمازهای الکی ای که ما می خوانیم، هم خاصیت دارد. طرف شراب خوار بود، به پیامبر گفتند فلانی شراب می خورد. پرسید نماز هم می خواند یا نه؟ گفتند نماز می خواند. گفت درست می شود. صبر کنید درست می شود. شراب خوار نماز می خواند نه اولیاءالله. همین نماز شراب خوار، درستش کرد. *إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ*. اگر می خواهی اولیاءالله شوی، به قرب و فنا برسی، حضور قلب داشته باش. اما اگر حضور قلب هم نداشته باشی، همین نماز کم کم وصل می کند. فهمیدی چه شد؟ حالا درباره روزه. روزه چکار می کند؟ عمده آدمها در ماه رمضان خوب می شوند.

یک مثال دیگر بزنم. حج. دیدی هر کس می رود حج برمی گردد، یک صفایی پیدا می کند؟ حالا این صفا زمانش فرق می کند. یک کسی تا یک ماه باصفا است. یک کسی تا یک سال با صفاست. دیدید یا ندیدید؟ چرا؟ چون شما در حج، یک عمل عبادی ۳-۴ روزه دارید. از وقتی احرام می کنی، مُحرم هستی، وصل هستی. حج مثل نماز می ماند. یک عالمه کار نباید انجام بشود. یک عالمه کار باید انجام شود. مثل روزه می ماند. نیت می کنی، کسانی که رفتند حج می دانند. اول نیت می کنی، مُحرم می شوی، در احرام هستی، می خوابی، امروز، فردا، سه روز. در روزه یک صبح تا عصر بود، قطع می شد. شب قطع بودی. دوباره یک صبح تا عصر بود، باز قطع می شد. تو ولی ۳-۴ روز متصلی. حالت عوض می شود. خودت هم متوجه نیستی. حج خاصیتی دارد بیشتر از روزه. برای همین فقط آدمهای خیلی علیه السلام حج نمی روند، ولی هر کس رفته حج، دقت کردید یا نه؟ افرادی که از حج برمی گردند، لااقل یک مدتی باصفا هستند. خب این در قرب به سر برده. خودش متوجه نبوده.

حالا متوجه شدی؟ حجاب یعنی زن وقتی می خواهد در جامعه وارد شود، کنشگری اجتماعی زن، با قرب گره خورده است. «یک - هیچ» به نفع خانمها علیه ما! ما این لباس را که می پوشیم، مستحب است. واجب که نیست. علامه آنجا تحلیل می کند مستحب، هیچ وقت خاصیت واجب ندارد. چون فرق مستحب و واجب این است که در واجب فقط اراده خدا ملاک است، اما در مستحب هم اراده خدا ملاک است هم اراده من. واجب باید حتماً انجام شود. خدا گفته باید انجام شود. دلم می خواهد، نمی خواهد، نداریم. مستحب چیست؟ خدا گفته اگر دلت می خواهد انجام بده. بعد علامه آنجا تحلیل می کند که مستحب خاصیت واجب ندارد. برای همین خانمها با حجابشان کاری در عالم می کنند که ما با لباس روحانیت نمی توانیم این کار را بکنیم. (اینها را به این جهت گفتم که یک نکته

معنوی-عرفانی هم بگوییم، فقط غربی اش را نگوئیم). مخصوصا در دوره‌ای که حجاب تبدیل به کنشگری زن شده. تبدیل به عرصه کنشگری زن شده. قبلا این عرصه نبود، چرا نبود؟ چون عمده جوامع، حجاب داشتند. پوشش زنان دیگر هم همین بود که ما مسلمانان داشتیم. برای همین خیلی کار دینی قلمداد نمی‌شد. برای همین خیلی بحث هم درباره‌اش نمی‌شد. ولی وقتی که الان زن‌ها می‌آیند بیرون، می‌دانند کار دینی می‌کنند. همان‌طور که راهبه مسیحی می‌داند کار دینی می‌کند. معلوم است؟ ببین خدا چکار کرده؟

حالا که وقت هم داریم. سرمایه را بگوییم. بعد سرمایه می‌خواستم نظرات جامعه‌شناسان را نقد کنم. برخی از جامعه‌شناسان یک چیزهایی می‌گویند که آدم اعصابش خرد می‌شود. حال این سرمایه را بگوییم تا ببینید چه چیزی را چطور تفسیر می‌کنند. بگذارید سرمایه را هم بگوییم.

نظام سرمایه‌داری

ببینید ما در دوره نظام سرمایه‌داری به سر می‌بریم. می‌خواهم سرمایه جنسی را توضیح بدهم. یکی از امور دیگری که موجب شده حجاب، یک معنای خاصی داشته‌باشد؛ این معنا قبلا نبود و چون این معنا هست، خیلی فرق کرده. این را قبلا مثال زدیم که حجاب مثل پرچم می‌ماند. پرچم یک تکه پارچه است؛ به خودی خود ارزشی ندارد ولی اگر این پارچه سبز و سفید و قرمز باشد و یک علامت الله هم وسطش باشد، این را اگر یک عده‌ای بگیرند پاره‌اش کنند، ما غیرتی می‌شویم. ما ایرانیها غیرتی می‌شویم. شما با آمریکا دشمنی دارید، پرچمش را آتش می‌زنید. حالا پرچمش را آتش زدید، چی شد؟ آهان. خیلی چیزها شد. آنها علیه ما موضع می‌گیرند. ما دعوا می‌کنیم. این معنا دارد. ببینید خیلی وقت‌ها معنای رفتار، مهم‌تر از فیزیک رفتار است. در تربیت بچه، می‌گویند یک کاری کن، به جای اینکه بزنی در گوشش، یک «تو» به او بگویی، طرف خجالت بکشد. بعضی‌ها اینطور هستند. آنقدر بچه را با کرامت تربیت می‌کند، به او یک اخمی بکند، معادل این است که آن یکی بیست تا سیلی بزند در گوش بچه‌اش. معنای رفتار را تقویت کنیم. یک جا معنای رفتار، خود به خود تقویت می‌شود. مثل پرچم. اینها معنایی دارند. این همه سرود هست. سرود ملی فرق می‌کند. وقتی سرود ملی می‌خوانند، بلند شو بایست. چرا بلند می‌شوی می‌ایستی؟ فهمیدی چه شد؟ این معنا معلوم است؟ من حرفم این است. معنای حجاب عوض شده. ما معنای امروزیش را درست به مخاطبان نمی‌گوییم. یکی از چیزهایی که موجب شده، معنای حجاب عوض شود، نظام سرمایه‌داری است که عدم حجاب را تبدیل کرده به سرمایه جنسی. این را می‌خواهم یک مقدار توضیح بدهم.

ببینید نظام سرمایه‌داری می‌داند چه بلایی سر ما آورده؟ آقای اریک فروم، (بخشید مثال غربی می‌زنم، می‌خواهم بگویم این غربی‌ها بعضی چیزها را خوب فهمیدند. آنها هم اینها را فهمیدند. چه برسد به ما.) آقای اریک فروم، کتابی دارد به اسم داشتن یا بودن، آنجا چه می‌گوید؟ می‌گوید نگاه کنید ارزش ما به چیست؟ به دارایی‌هایمان یا به خودمان؟ ببینید شما در نگاه دینی این را خوب می‌دانید. علمی که جزء ذات شود و رشد بیاورد، ارزشش را بالا می‌برد. اخلاق چرا ارزش را بالا می‌برد؟ چون اخلاق، امر درونی شما را متحول می‌کند. اخلاق مایه ارزش است. هنر چرا مایه ارزش است؟ چون می‌گوید طرف یک چیزی در خودش دارد. یک مایه‌ای دارد. اینها واقعیت وجودی من است. این می‌شود بودن من. اما این لیوان، این عبا، ارزش من به داشتن این است؟ ارزش من به موبایل من است؟ به وسایلی است که دارم؟ ارزش ما که به اینها نیست. چون این وسایل را از ما بگیرند، من همان هستم. در حالی که اگر علم من، علمی که جزء ذات من شده، از من بگیرند، دیگر من نفهمم. ببخشید بیشعورم. در معنای لغوی‌اش می‌گویم. کسی که شعورش را از دست بدهد، ارزشش را از دست داده. فرق داشتن و بودن معلوم است؟ نظام سرمایه‌داری بلایی بر سر انسان‌ها آورده که سعی می‌کنند بودن را ول کنند بچسبند به داشته‌ها. [در نظام سرمایه‌داری] آنی که مهم است، سرمایه است. در قضاوت هایتان، سرمایه مهم است. سرمایه یعنی چه؟ یعنی آنچه بتوانی مبادله کنی و بابت آن پول بگیری. ارزش انسان‌ها به سرمایه‌داری شده است. الان مثال بارزش

در کشور خودمان این است که الان چه رشته‌هایی رو بورس است؟ افراد چه رشته‌هایی می‌روند؟ رشته‌ای که پول داشته باشد. چرا پزشکی و برخی از رشته‌های مهندسی خیلی رو بورس هستند ولی حوزه علوم انسانی اینقدر رو بورس نیست؟ چون پول آنجاست. زمان قدیم کسی پزشک می‌شد، زمان قدیم نه فقط در مسلمانان، زمان بقراط و سوگندنامه بقراط، زمان قدیم هرکس پزشک می‌شد اول سوگند می‌خورد می‌خواهم یک عمل انسانی انجام بدهم. من، انسان‌ها، پول، هیچی برایم مهم نیست. هنوز که هنوز است فارغ‌التحصیلان پزشکی، سوگندنامه بقراط را می‌خوانند. سوگند می‌خورند. ولی آن چیزی که در واقعیت اجتماعی می‌بینیم چیست؟ آقا اینقدر به حسابم بریز و گرنه معالجات نمی‌کنم. وارد بیمارستان که می‌شوی، اول پول را بریز. چرا؟ چون ارزش من به علمم نیست. علمم اگر ارزش دارد، از این جهت است که برایم پول درمی‌آورد. فهمیدی چه شد؟ چرا این رخ داد؟ حالا بخواهم تحلیل کنم، و قمتان هم گرفته می‌شود که چه شد ما به اینجا رسیدیم.

ارزشمندی سرمایه در نظام سرمایه داری و بی ارزش شدن انسان

کالا از کارگر جدا شد. کالا از کارگر جدا شد یعنی چه؟ کمی از پیچیدگی‌هایش بگویم. چون بعدا در بحث سرمایه جنسی می‌خواهم از آن استفاده کنم. این آقای مارکس، مارکس که برای مارکسیست‌هاست این را خوب تحلیل کرده. حرف خوب هم دارد. با خدا مشکل دارد ولی برخی تحلیل‌های اجتماعی اش قشنگ است. می‌گوید کارگر از کالا جدا شده. می‌دانی در نظام سنتی، کالا با کارگر گره خورده بود. یعنی چه گره خورده بود؟ الان نمونه‌اش را شما در صنایع دستی می‌بینی. دقت کنید در نگاه سنتی، صنعتگر و هنرمند یکی بود. دوتا نبود. کسی که چیزی را می‌ساخت، هنر خودش را در آن نشان می‌داد. الان هم همین است. آنی که صنایع دستی است، هم‌ااش هنری است. اگر شیخ لطف‌الله در اصفهان، مسجد می‌ساخت، معرف این مسجد، شیخ لطف‌الله بود. الان این مسجد دانشگاه امام صادق را چه کسی ساخته؟ نمی‌دانیم. چون در دوره انقلاب صنعتی به سر می‌بریم. ولی در اصفهان که می‌گویند مسجد شیخ بهایی، مسجد شیخ لطف‌الله، کالا با کارگر-کارگر کسی که کار انجام می‌دهد-گره خورده بود، گره وجودی؛ برای همین افراد با شغلشان رشد معرفتی انسانی می‌کردند؛ برای همین انسان‌ها به خاطر شغلشان اعتبار اجتماعی داشتند، می‌گفتند اوستای نجار، اوستای آهنگر، این اوستای آهنگر در منطقه ای که زندگی می‌کرد، برایش اعتباری داشت که اگر یک کسی پول بیشتری از این داشت، این قدر اعتبار نداشت؛ برای همین هر وسیله‌ای که می‌ساخت، می‌گفتند اوستا فلانی ساخته. اما ارتباط کارگر و کالا در انقلاب صنعتی چه شد؟ تقسیم کار رخ داد. تقسیم کار یعنی چه؟ شروع داستان را اینطور می‌گویند: می‌گویند ظاهراً یک کسی بوده یک کارخانه کفش داشته؛ هرکسی -مثلاً سی نفر-برایش کفش تولید می‌کرده، این سی نفر هر کدام روزی دو تا مثلا کفش درست می‌کرده، همیشه چند تا؟ روزی شصت تا. این گفت به جای این که هر کسی بیاد یک کفش درست کند، یک کسی فقط چرمش را ببرد یک کسی کف آن را درست کند، یک کسی دوختش را بزند. اگر روزی شصت تا کفش (قبلاً) درست می‌شد، با تقسیم کار روزی دویست تا کفش (بعد تقسیم کار) تولید شد. تقسیم کار در جهان رخ داد، تکنولوژی رشد کرد؛ در تقسیم کار شما نمیتوانی بگویی این مرسدس بنز را چه کسی ساخته؟ برای همین استاندارد می‌آید؛ استاندارد در صنایع دستی برود خرابش می‌کند، باید کاملاً همه شان یکسان باشند، معلوم نباشد هنرمند کیست و این هنرمند ها بیکار شدند بروند یک جای دیگر کار هنری بکنند. هنرمندان، آن طرف و صنعتگران این طرف. صنعتگر هویت خودش را با کارش به دست نمی‌آورد، با پولی که از کارش به دست می‌آورد؛ صنعتگر سرمایه دار است- همه سرمایه دار هستند-سرمایه ات مهم است. یعنی دیگر خودت مهم نیستی؛ در نگاه سنتی اگر یک شیخ لطف‌الله داشتی-حالا این مسجد را نمی‌خواهم بگویم یک کالای مهم دیگر مثلا عمارت قالی قاپو- عمارت عالی قاپو و سازنده اش کدام مهم تر بود؟ سازنده. چرا سازنده؟ چون اگر عمارت را خراب کنی برایت یکی دیگر می‌سازد. وقتی کالا با کارگر متحد است. در نگاه سنتی کالا و کارگر کدام مهم است؟ کارگر. آشهید مطهری(در)تعلیم و تربیت در اسلام اثر کار در اسلام را بحث می‌کند؛ شما دائماً- این

کاری که آقای مطهری می‌گوید کار دوره سنتی است- با کار خودت، خودت را رشد میدهی، هنرت را رشد میدهی، توانایی هایت را رشد میدهی، ذکاوتت را رشد میدی، خودت هستی؛ در انقلاب صنعتی کالا از کارگر جدا شد، برای همین اگر الان یک ماشین مرسدس بنز داشته باشیم و یکی از این کارگرهای کارخانه مرسدس بنز را، کدام بیشتر می‌ارزد؟ ماشین. چرا؟ چون ماشین چند میلیارد تومان است. کارگر کم اهمیت‌تر از کالا است، چون یک نفر دیگر جای این کارگر را می‌گیرد. این کارگری که می‌گوییم پزشک و مهندس و ... همه کارگر هستند و هر کارگری در افق سرمایه داری می‌افتد، یعنی سعی می‌کند با کار خودش سرمایه به دست بیاورد نه هویت؛ نه اعتبار، نه رشد شخصیتی، اگر کارش خیلی خوب بود حق ندارد در این ماشین خاصی که زیر دستش پیچش را میچرخاند کاری انجام بدهد و ایده اش را پیاده کند، بلکه باید برود به بالا دستی‌ها بگوید آنها اگر دیدند خوب است، در کلیت خط تولید راه بیندازند. کارگر حق ندارد هنر خودش را در کالای مورد نظر اعمال کند. نظام سرمایه داری می‌گوید ببین چه چیزی به پول قابل تبدیل است، آن می‌ارزد؛ معالجه انسان‌ها قابل تبدیل به پول است، پس آن می‌ارزد؛ ساختن خانه قابل تبدیل است، می‌ارزد؛ در فضای ما می‌شود منبر رفتن، قابل تبدیل به پول است، پس می‌ارزد! ما اولی که خواستیم ملبس بشویم، یکی از آقایان به من گفت: فلانی منبرت را که رفتی آمدی پایین با سرعت می‌روی بیرون. گفتم: چرا؟ گفت: به خاطر اینکه طرف نگوید برای پول منتظر ماندی. پول هم که دادند اول نمیگیری. من از امثال خودم شروع کنم؛ منبری‌ای که میگوید آقا این قدر میگیرم می‌آیم، این در نظام سرمایه داری کار می‌کند ولو که منبر امام حسین (ع) برود. (این) نظام سرمایه داری است؛ منبری شما را هم سرمایه دار می‌کند. همه چیز را باید با پول بسنجید!

سرمایه جنسی

بعد از انقلاب جنسی، بعد از رواج فرهنگ برهنگی، یک دفعه دیدند یک سرمایه ای بود که ما تا حالا حسابش نکرده بودیم، آن هم سرمایه جنسی است که مشخصاً خانم‌ها دارند. اگر این را وارد سیستم کنیم پول بیشتری گیرمان می‌آید. ساده‌ترین و اولین کاری که کردند این است که زن‌ها را برای تبلیغات بردند. این ساده‌ترین و دم‌دست‌ترین بود چون با این زن، کالا بهتر فروش می‌رود. بعد گفتند چرا به این بسنده کنیم؟ اصلاً چرا به او پول بدهیم و سرمایه اش را استفاده کنیم؟

فرهنگ برهنگی، مشکل را حل کرد؛ بدون اینکه بهش پول بدهیم، از سرمایه اش استفاده می‌کنیم؛ دیروز مثال زدیم برایتان. صاحب شرکت می‌نویسد یک فروشنده خانم با روابط عمومی بالا نیاز است؛ روابط عمومی بالا یعنی چه؟ خانم چرا؟ حالا یک آقا با روابط عمومی بالا قبول نیست؟ نه دیگر، این سرمایه جنسی دارد، روابط عمومی توضیح آن است. این سرمایه جنسی دارد، من میتوانم با این خانم فروشم را ببرم بالا. در اداره منشی من خانم باشه؛ چرا؟ خب آدم حالش هم بهتر می‌شود! همین طور بروید عرصه‌های مختلف اجتماعی را نگاه کنید. در عرصه‌های مختلف اجتماعی، چطور می‌توانیم از این سرمایه استفاده کنیم؟ برای همین در فضای غربی زن با دو الگو به عرصه‌ی اجتماع وارد می‌شود: (۱) الگوی مردانه که فمینیست‌ها دنبال آن هستند (۲) الگوی کالا که نظام سرمایه دارد دنبالش می‌کند.

این که گفتم برخی جامعه‌شناس‌ها حرف می‌زنند اعصاب آدم خرد می‌شود، طرف (کلیپش را احتمالاً دیدید) می‌آید می‌گوید می‌دانید حجاب چیست؟ هدف حجاب، سلطه مردان بر زنان است. بدن‌مندی زنان مهم شده، بدن زنان مهم است، زنان میخواهند اختیار بدنشان را خودشان داشته باشند، برای همین است که آقایان میخواهند با اجبار حجاب کاری کنند که اختیار بدن زنان دست مردان باشد.

آیا این طور است؟! حجاب یعنی زن می‌گوید اختیار بدنم دست خودم باشد، چرا دست تو باشد؟ غرب می‌خواهد اختیار بدن زنان مُفت باشد؛ هر کس دلش خواست هر طور دلش خواست از این استفاده کند. در اسلام از اولش گفته بود این خانم که جذابیتی دارد، جذابیتش قیمت دارد. کسی حق ندارد بدون پرداخت قیمت، سراغ جذابیتش برود؛ او را می‌خواهی، مهریه بده، نفقه بده، برایش خرج کن. مردی؟ نداری از این جذابیت‌ها؟ دلت جذابیت می‌خواهد؟ خرج کن، هزینه کن، نه این که زن ارزشش این است. زن احترام دارد، زن کرامت دارد؛ اما در عرصه‌ی بدنش هم ارزش دارد. سرمایه‌دار حق ندارد این بدن را برای مطامع سرمایه‌داری خودش استفاده کند. دقت کنید سرمایه‌دار که دارم می‌گویم فقط صاحبان شرکت نیستند، همه ما سرمایه‌دار شدیم. همه فقط از شغلشان کاسب نیستند، از هزار جای مختلف کاسب هستند. چون نظام سرمایه‌داری این است. می‌گوید هر چیزی که قابلیت تبدیل به پول دارد قابلیت تبدیل به پولش را جدی بگیر. این نظام سرمایه‌داری است. بدن خانم‌ها قابلیت تبدیل به پول دارد، چرا این را جدی نگیریم؟ تازه به تعبیری که بورديو(مردم‌شناس و جامعه‌شناس فرانسوی) می‌گوید، فقط پول هم نیست؛ سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، سرمایه‌های) دیگری هم داریم.

چون بدن‌مندی زنان مهم است، زنان حجاب را انتخاب می‌کنند. همین که به قول شما ما داریم زور می‌گوییم، داریم کاری می‌کنیم از بدن زنان استفاده بشود یا اختیار بدنشان دست خودشان باشد؟ من که قبلاً گفتم باز هم می‌گویم من با اجبار مخالفم، طرفدار قانون هستم و ان شاءالله اگر خدا توفیق بدهد امروز که نمی‌رسیم فردا توضیح می‌دهم چطور می‌شود قانون باشد و اجبار نباشد. چرا ما همیشه صورت مساله‌ها را غلط می‌فهمیم؟ خود زن مسلمان در دوره‌ی مدرن می‌خواهد بدنش مال خودش باشد. خودش انتخاب کند چه کسی از او لذت ببرد، بعد آنهایی که می‌خواهند این را از زن بگیرند، آن‌ها خیرخواه زن شدند؟ و ما که پیشنهاد حجاب می‌دهیم، ما می‌خواهیم سلطه پیدا کنیم!!! نه تو می‌خواهی سلطه پیدا کنی؛ برای همین است که در این جریان‌ها بیش از اینکه زن‌ها وارد میدان بشوند شعار زن زندگی آزادی بدهند، مردها شعار دادند؛ چرا؟ چون او می‌خواهد استفاده خودش را ببرد، چون آزادی که او می‌گوید، آزادی مرد است در استفاده از زن. ما می‌گوییم آزادی یعنی آزادی زن در تصمیم گرفتن برای خودش. بله خوب تبلیغ نکردیم، خوب توضیح ندادیم، خوب برای زن‌هایمان توضیح ندادیم، زن‌ها الان فکر می‌کنند رها باشد آزاد باشد، راحت تر است.

نهی از منکر در فضای کرامت

یک گفت‌وگویی یکی از دوستان در یکی از این گروه‌ها گذاشته بود با یکی از این خانم‌هایی که روسری‌اش را برداشته بود. گفته بود خیلی بیشتر دارم اذیت می‌شوم؛ پرسیده آخر چرا برداشتی؟ پاسخ داده می‌خواهم حال این آخوند‌های فلان فلان شده را بگیرم. خود آن زن که الان حجابش را برداشته، می‌بیند دارد اذیت می‌شود، می‌بیند چطور نگاهش می‌کنند و سرمایه جنسی او را به غارت می‌برند؛ ولی چون حالش از دست من آخوند گرفته است-که خیلی وقت‌ها هم حق هم دارند، ما خیلی وقت‌ها بد عمل کردیم- چون حالش از دست من گرفته است، این قدر لجبازی با من برایش مهم است که حاضر است اذیت شود، حاضر است سرمایه‌اش را هدر بدهد.

در امر به معروف و نهی از منکرمان اشتباه می‌کنیم. بلد نیستیم و خلاف عمل می‌کنیم. امر به معروف و نهی از منکر در همین شرایط امروز (که اوضاع میدانید چگونه است) جواب می‌دهد. اول حجاب را درست بفهم بعد برو نهی از منکر یا امر به معروف بکن. ما حجاب را غلط فهمیدیم، مهمترین کارکرد حجاب، بالا بردن ارزش زن است. شهید مطهری می‌گوید کرامت زن است. ما می‌خواهیم کرامت زن حفظ بشود مگر میتوانی با توهین به کسی کرامتش را حفظ کنی؟ نهی از منکر که در آن توهین باشد، بد اخلاقی باشد، از بالا به پایین باشد، کرامت است؟ یا تحقیر است؟ تکریم یا تحقیر است؟ تو کرامتش را حفظ کن، در فضای کرامت برو نهی از منکر کن،

به او توجه بده که تو کریم هستی، باارزش هستی، خانم بی حجاب تو خیلی ارزشمندی، و حیفاست ارزشمندی خودت را نادیده بگیری. یک مثال ساده بزنم. به جای اینکه اینطور که در خیابان می‌روی خانم‌ها را نهی از منکر می‌کنی، اگر فامیل نزدیک خودت دختر عموی خودت، دختر خاله ی خودت، بی حجاب باشد چطور به او می‌گویی؟ همانطور که در خیابان به آن خانم گفتی؟ البته برخی‌ها هستند اینجا را هم آنطور عمل می‌کنند، کلاً فقط بلدند داد بزنند؛ ولی اغلب منظور من را می‌فهمند یعنی اگر خواهرت که دوستش داری اگر بی حجاب بشود چطور می‌روی؟ این قدر تحویلش میگیری که برگردد با حجاب بشود. حیفاست تو به این خوبی. تو به این خوبی حیفا نیست؟ اگر این پیامک‌های نیروی انتظامی دست من بود به آن‌ها توصیه می‌کردم -گوش نمی‌دهند- اگر دست من بود می‌دانی چه پیامکی می‌فرستادم؟ می‌گفتم حداقل قبل از این که جریمه کنی، تا ده بار پیامک‌های خیلی باحال برایش بفرست طرف کیف کنه؛ تو چقدر آدم خوبی هستی. اینطور شروع کن، آخرش به جملہ بنویس آخر حیفا نیست؟ تو انسان با شرف، تو انسان با کرامت، تو خانم با حیا، حیفا نیست؟

خب شما به این شیوه نهی از منکر بکنید ببینید جواب می‌گیرد یا نمی‌گیرد؛ مسئله حجاب این است که اولین مسئله‌اش این نیست که مردها خودشان را کنترل کنند. مردها بروند خودشان را کنترل کنند. اولین مسئله‌اش این است که زن حرمت دارد، زن کرامت دارد، مردها نباید زن را سرمایه جنسی خودشان کنند، نباید بدن زن ابزاری بشود برای مرد‌ها، برای صاحبان سرمایه. زن، کرامت دارد، کرامتش را جدی بگیر. برای همین است که حجاب، در قبال دو الگویی که برای ورود زنان در غرب به جامعه مطرح بود، طراحی شده است.

مقابله حجاب با دو الگوی غربی

در غرب دو الگو برای ورود زنان مطرح کردند:

- ۱- الگوی فمینیست‌ها که می‌گوید مثل مرد‌ها وارد شو. در اینجا همیشه زن موجود دست دوم است. زن، جنس دوم است. فمینیسم چقدر جلو رفته است؟ هنوز زن، جنس دوم است. برایتان در عرصه‌های سیاسی مثال زدیم. برو در جهانی که فمینیسم این قدر رشد کرده، تعداد وزیران مرد و وزیران زن را بشمار. تعداد رئیس‌جمهورهای مرد، رئیس‌جمهورهای زن را بشمار.
- ۲- الگوی دوم برای ورود زن، ورودش همراه با سرمایه ی جنسی است. ورودی که بشود از او استفاده کرد.

اسلام با حجاب هر دو تا را پاسخ داده. گفته سرمایه جنسی نه، تو کریمی، تو با حیایی، تو با عفتی، تو ارزش داری، تو بزرگی، تو مهمی و کنش‌گر اجتماعی هستی. جلوی مردها زنانه وارد شو؛ نه زنانه‌ی جذاب جنسی، زنانه‌ی با اعتبار، أخت الجلال بنت الوقار [اشاره به شعر عمان سامانی که آن اشاره دارد به حضرت زینب(س)]. در مقابل مرد‌ها اینطور وارد شو. اگر این الگو مستقر بشود واقعا حجاب مسئله ی ماست؟! ما اگر اینطور به خانم‌ها یاد داده بودیم، مسئله می‌شد؟! و البته همیشه هم می‌توانیم برگردیم.

جلسه چهارم

مروری بر مباحث گذشته

بحث ما درباره حجاب و فهم درست مسئله حجاب بود. اگر فهم درست مسئله حجاب در جامعه حاصل شود، عمده مسئله ای که با آن مواجه هستیم، حل می شود. مرور مختصری می کنم و بعد می روم سراغ آخرین فراز بحثم. عرض بنده این بود که حجاب به خودی خود، مسئله ای دسته هفتم و هشتم است اما شرایط اجتماعی کاری کرده که مسئله مهمی شده است. مانند مسئله توتون و تنباکو که به خودی خود مسئله خیلی فرعی بود اما در یک موقعیتی استعمال توتون و تنباکو به منزله محاربه با امام زمان (عج) شد. این را که انسان می خواهد بفهمد نباید فقط احادیث را ببیند که چقدر به حجاب پرداخته اند. باید شرایط اجتماعی زمان را بفهمد. در زمان، مسئله می تواند عوض شود. در بحث های قبلی ام چهار دلیل آوردم که چرا عوض شدن زمانه، حجاب را عوض می کند. تیتروار خدمت شما عرض می کنم:

یک مطلب این بود که ما در عصر رسانه های تصویری زندگی می کنیم. ما در عصری زندگی می کنیم که به قول هایدگر، عصر تصویر جهان است. عصری است که نماد های تصویری، جایگاه بسیار مهمی پیدا کرده اند. فهم انسان ها با دیدن حاصل می شود. دیدن، یک موضوعیت خاصی در فرهنگ پیدا می کند. برای همین است قبل از اینکه انقلاب کنیم و این مسائل را مطرح کنیم غربی ها با حجاب ما درگیر شده اند. آمدند در عثمانی، آتاتورک بی حجابی را مستقر کرد. بعد در ایران، رضا خان بی حجابی را مستقر کرد. چرا بی حجابی؟ چون نماد است؛ وارد عرصه نمادی شده است. الان مجله تایمز بخواند بگوید که این شماره ام در مورد اسلام است، کفایت عکس یک زن با روسری بگذارد. همه می فهمند که این شماره در مورد اسلام است. این ربطی به انقلاب ما ندارد؛ قبل از انقلاب ما این وضعیت رخ داد.

مطلب دوم، جریان فمینیسم در جهان است. زنان به نحو سنتی در پستو ها بودند. در متن جامعه نبودند؛ چه جامعه ما و چه جوامع غربی! نهضت فمینیسم در غرب رخ داد. غربی ها گفتند زنان را به وسط میدان بیاوریم. زنان خودشان گفتند وسط میدان بیاییم. گفتند زن هم می خواهد کنشگر اجتماعی باشد؛ اما مدلی که نهضت فمینیسم تعقیب کرد، مدل مردانه بود. سیمون دوبوار، عنوان کتاب معروفش را "زن، جنس دوم" گذاشت. هنوز که هنوز است، با تمام تلاشی که فمینیست ها کردند، (نه در ایران، بلکه در جهان) زن جنس دوم است. زن به مثابه مرد می خواهد وارد میدان شود. من در یک سخنرانی گفتم زن، نامرد شد! زن می خواست مرد باشد! خب مرد نمی شود؛ چون زن است! برای همین شد دست دوی مرد! هنوز هم در جهان همین است. علی رغم تلاش هایی که کرده اند. این هایی که می گویم شواهد مهمی است. در میان سیاستمداران جهان که منصب دارند بگردید چند نفر از آن ها مرد و چند نفر زن هستند. ما همیشه خانم مرکل را جلوی چشم می گذارند و می گویند ببینید! حالا چند نفر رییس جمهور زن در دنیا غیر از خانم مرکل پیدا می کنید؟! چند وزیر زن پیدا می کنید؟ (وزیر خارجه بلی! آن هم دلیل خاصی دارد.) بقیه وزرا چند نفرشان زن اند؟ پس همچنان زن جنس دوم است. اسلام می گوید همانطور که مرد جنس اول است، زن هم جنس اول است. اصلا این ها اول و دوم ندارند! برای همین اسلام می گوید زن اگر می خواهد کنشگری اجتماعی داشته باشد، با حفظ زنانگی خودش! معلوم باشد که زن است؛ نه مرد. برای همین می گوید مدل ورودت در جامعه باید با حجاب باشد. همه از ابتدا بدانند که تو زن هستی و نه مرد.

نکته سوم که به همین نکته مرتبط است، نظام سرمایه داری بود. نظام سرمایه داری، زن را به مثابه یک کالا می خواهد. می خواهد از سرمایه جنسی زن استفاده کند. اسلام می گوید نه! امر جنسی غیر از امر جنسیتی زن است. زن به عنوان زن باید وارد جامعه شود

اما نه با لحاظ جنسی! نباید سرمایه جنسی برای دیگران شود. این، نکته سومی بود که مسئله حجاب را مهم کرد. فرهنگ برهنگی می‌خواهد زن را به عنوان کالای جنسی وارد جامعه کند. اسلام می‌گوید نه. زن وارد جامعه می‌شود. در عین حال کالای جنسی نمی‌شود. روز اول عرض کردم، این حدیثی که متاسفانه نمیدانم چرا همه آن را بد می‌فهمند، حدیث حضرت زهرا (س). "بهترین چیز برای زن این است که مردی او را نبیند و او هم مردی را نبیند". نه به این معنی که به جامعه نیاید؛ همین دینی که این را گفت، کنارش قانون حجاب را واجب کرد. يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ. چرا یدنین؟ چون قرار است مرد ها را ببینند و آنها هم مردها را ببینند اما با حفظ حریم. یعنی قانونی که حضرت زهرا (س) گفت، اصل کلی است. اصل بر عدم اختلاط است. تا جایی که ضرورت ندارد، زن و مرد همدیگر را نبینند. اگر ضرورت ندارد، زن و مرد در یک اتاق ننشینند. اما اگر جایی ضرورت دارد، خانم ها وارد جامعه شوید و حجاب داشته باشید. {ذَلِكَ أَتَى أَنْ يُعْرِفْنَ فَلَا يُؤَدِّينَ}. چون قرار است زن با کرامت وارد جامعه شود که اذیت نشود. چون قرار است زن به عنوان کالای جنسی نیاید. زن به عنوان جنس دوم نیاید. برای همین، دلیل دومی که حجاب را مهم کرد، جریان فمینیسم بود که می‌خواست زن را به عنوان جنس دوم وارد جامعه کند (به خیال خودش، جنس شبیه مرد) و اسلام می‌گوید نه! به تعبیر دقیق شهید مطهری: زن و مرد هر دو وارد جامع می‌شوند اما هر یک در مدار خود. نه اینکه زن بیاید در مدار مرد حرکت کند. این، نقد ایجابی فمینیسم است. ما همیشه نقد سلبی میکنیم. محور سوم نظام سرمایه داری بود. نظام سرمایه داری می‌خواست از سرمایه جنسی زن استفاده کند. حجاب مسیرش را می‌بندد. می‌گوید اختیار سرمایه جنسی زن با خودش است نه با تو! حق ندارید مفت از این، استفاده کنید! شما می‌خواهید کالایان فروش رود؛ چرا این زن باید سرمایه جنسی خود را خرج کند تا کالای صاحب شرکت فروش رود؟

دلیل چهارمی که عرض کردم انقلاب جنسی بود. این دلیلی است که اغلب مردم ما دیگر می‌فهمند و همیشه از این زاویه نگاه می‌کنند. انقلاب جنسی در جهان، فرهنگ برهنگی را ایجاد کرد و فرهنگ برهنگی، مقدمه انقلاب جنسی برای عمل است. وقتی فرهنگ برهنگی شکل گرفت اول روابط زن و مرد در جهان افتضاح شد، بعد، همجنسگرایی آمد و بعد، امور دیگر. این مسیری است که در غرب طی شده و می‌خواهند در ایران هم طی کنند. حجاب سدی است که نمی‌گذارد انقلاب جنسی ثمر بگیرد. این چهار دلیل موجب می‌شود حجاب نزد ما موضوعیت پیدا کند. اگر رده هشتاد و نود بود، بیاید در رده های اول اسلام. خب اگر اینجوری است، اگر حکومتی می‌خواهد اسلامی باشد، باید این مسئله را جدی بگیرد.

حجاب اجباری یا قانونی؟

بنده از سال ۹۴ این حرف را می‌زنم. حرف جدیدی نیست. بعضی به من گفتند که موضعت عوض شده است. سال ۹۴ اولین باری که یکی از برادران روحانی تعبیر حجاب اجباری را به کار برد، همان موقع نقدش کردم. مقاله ام در سایت بنده موجود است. "حجاب اجباری یا قانونی". آن جا از این ایده دفاع کردم. هنوز می‌گویم که این ایده مشکل ما را حل می‌کند. ایده چیست؟ بفهمیم قانون با اجبار فرق دارد. چرا تا می‌گویند قانون، ذهنمان سراغ اجبار می‌رود؟ شب های قبل گفتیم که امشب این مطلب را توضیح می‌دهم. من طرفدار قانون حجاب هستم. حکومت وظیفه دارد در مورد حجاب، اما هر قانونی مدل اجرایش اجبار نیست. در ادبیات حقوقی می‌گویند حقوق مدنی، حقوق کیفری. قانون فقط قانون کیفری نیست. قانون مدنی هم داریم. قوانین مدنی فضای اجرایش اجبار نیست و اگر ما از اول حجاب را به مثابه قانون مدنی می‌دیدیم و به مقابله قانون مدنی اجرا می‌کردیم، خیلی موفق بودیم و الان هم در ناخودآگاه اغلب افراد، حجاب قانون مدنی است. من امشب، این مطلب را برای شما توضیح می‌دهم. حجاب برای کرامت زن است. پس اگر حجاب را گونه ای پیاده کنیم که کرامت زن تحقیر شود، خلاف مقصود عمل می‌کنیم. ما می‌خواستیم حجاب باشد تا ارزش

زن بالا رود، زن بداند کنشگر مهمی در عرصه تاریخ و جامعه است. آنگاه اگر مدلی را عمل کردیم که نتیجه‌اش شد تحقیر و توهین، زن را بالا برده ایم یا پایین؟! خب اشتباه داریم می‌کنیم! همه قوانین که کیفری نیستند!

اقتصاد، عرصه قوانین غیر کیفری

یک عرصه خیلی واضح برای قوانین غیر کیفری، عرصه اقتصاد است. حجاب برای عرصه فرهنگ است. بنده ابتدا از عرصه اقتصاد که ساده‌فهم تر است شروع می‌کنم تا برسم به عرصه حجاب که فرهنگی است. آیا اقتصاد را باید با قوانین کیفری اجرا کرد؟ در قوانین کیفری، مجری اصلی، نیروی انتظامی ذیل قوه قضاییه است. مانند دزدی یا قتل. برای قتل باید مجازات جدی باشد. همه جای جهان هم قبول دارند. نمی‌شود گفت برای قتل یا دزدی قانون نداریم. یعنی در افق قتل، دزدی، یا در نگاه اسلام در افق زنا، افق لواط، قانون کیفری داریم و عرف اجتماعی هم همراهی می‌کند. اما وقتی می‌خواهیم اقتصاد را در کشور اعمال کنیم، نیازمند قوانین اقتصادی هستیم. مجری قوانین اقتصاد کیست؟ قوه قضاییه است؟! نیروی انتظامی است؟! البته گاه برخی مواقع، مفساد اقتصادی پیدا می‌شود که قوه قضاییه هم باید ورود پیدا کند اما محور کار، قوه قضاییه نیست. محور اقتصاد، وزارت اقتصاد است. وزارت صمت است. آیا وزارت اقتصاد و صمت با یک سلسله قوانین جلو می‌رود یا هرکاری که دلش بخواهد انجام می‌دهد؟ آیا باید لایحه بنویسد و به مجلس ببرد یا هر کاری که دلش خواست انجام می‌دهد؟ اگر تورم مدیریت نشد، آیا قوه قضاییه و نیروی انتظامی باید برود و عده ای را بگیرد؟ متأسفانه این نگاه کیفری داشتن به عرصه کل قوانین در کشور ما بیداد می‌کند. در اقتصاد عده ای اینگونه نگاه می‌کنند. وقتی قیمت دلار بالا می‌رود، عده ای می‌گویند برو این افراد را بگیر! من نمی‌گویم عده ای اخلاک‌گر نیستند اما فضای مدیریت دلار، فضای بگیر و ببند نیست. فضای مدیریت و برنامه ریزی اقتصادی است. البته عده ای قائلند که باید فضای بگیر و ببند باشد.

قیمت گذاری در فقه

به لحاظ فقهی، احتکار مجازات دارد اما قیمت گذاری توسط حکومت ممنوع است. از شیخ طوسی تا امام خمینی، اجماع فقهای شیعه این است که قیمت گذاری توسط حکومت حرام است. البته فقهای شیعه اختلافی دارند در این مورد که آیا در حوزه احتکار می‌شود قیمت گذاری کرد؟ قبول دارند که می‌شود محتکر را به فروش کالایش مجبور کرد اما اگر محتکر را مجبور کردند کالایش را بفروشد، آیا می‌شود برای کالایش قیمت گذاری کرد؟ اینجا محل اختلاف فقهاست. عموم فقها می‌گویند نمی‌شود. شیخ مفید می‌گوید می‌شود. امام خمینی (ره) در کتاب البیع خود که در نجف نوشت، متمایل به این قول است؛ در تحریر الوسيله که در ترکیه (مدت ها بعد) نوشت، از این حرف خود دست برداشت. می‌گوید احتیاط واجب این ایست که قیمت گذاری نکنند. حالا ما در کشور چه می‌کنیم؟ قیمت گذاری را وظیفه حکومتی کرده ایم. حکومت مدام در قیمت گذاری دخالت کنند. من در مصاحبه ای این مطلب را نقد کردم. با عنوان «فقدان علم عدالت» در نشریه برداشت اول منتشر شده است. خلاف رویه است! ضرر دارد! آیا حرف من، حرف نئولیبرال هاست؟ نه. حرف من، این نیست. من نمی‌گویم دولت نباید در قیمت گذاری دخالت کند. حضرت امیر (ع) در نامه ۵۳ نهج البلاغه، درباره تجار و ذوی الصناعات به مالک اشتر (فرماندار مصر) توصیه می‌کند. یعنی بحث کاملاً حکومتی است. می‌فرماید حواست باشد در میان بازاری ها، زیاد پیدا می‌شود کسی که تنگ نظرند و برای پول حرص می‌زنند و احتکار می‌کنند و در معاملات قیمت را بد مستقر میکنند. حضرت می‌فرماید برای احتکارش، جلوی آن را بگیر. خرید و فروش باید بیع راحتی باشد و براساس عدل باشد اما اگر مانع احتکار شدی و محتکر گوش نداد، او را مجازات کن. البته در مجازات زیاد روی نکن. پیامبر (ص) این کار را انجام میداد. حالا بیع و شراء را چه کنیم؟ هیچ! هیچی! یعنی در اینجا با مدل قوانین کیفی وارد نشو! بیع و شرا را باید طوری مدیریت کرد که بر اساس موازین عدل صورت بگیرد. به تعبیر امروزی، وزارت اقتصاد به گونه ای مدیریت کند که مردم در روال درستی در قیمت گذاری

قرار بگیرند. این مطلب به فقه شیعه منتقل شده است. محتکر را می توان مجازات کرد اما نمی توان مستقیماً قیمت گذاری کرد. منتهی چون ما یاد گرفته ایم که قانون یعنی مجازات، هم برای محتکر مجازات داریم و هم برای قیمت گذاری. خب خلاف فقه شیعه رفتار کرده ایم و به این همه مشکل خورده ایم. پس می شود در افق قانون حرکت کرد. حالا برویم در حوزه حجاب!

حجاب، قانون مدنی

حوزه حجاب تا آن جایی که می دانم در حوزه قوانین مدنی است. قوانین مدنی یعنی حکومت در قبال آن مسئولیت دارد. شما نمی توانید بگویید حکومت در حوزه اقتصاد مسئولیت ندارد! حکومت باید مواظب باشد که عدالت محقق می شود یا خیر. اما مدل مداخله اش باید مداخله غیر مستقیم باشد. حکومت فقط وزارت دادگستری و قوه قضاییه ندارد. این ها باید در آخرین مرحله بایستند.

برای همین، این دو آیه را ببینید. مقایسه کنید که آیا نمی گوید قانون مدنی با قانون کیفری تفاوت دارد؟ یکی آیه دوم سوره نور: الرَّائِيَةُ وَالرَّانِيَةُ فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيْسَ لَهُ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ می گوید در مورد افراد زنا کار، هر کسی اینقدر وقیح بود و این گونه عمل می کند که چهار تا شاهد عادل می بینند (چون اثبات زنا نیازمند شهادت چهار شاهد عادل است)، او را در ملاً عام بیاورید و صد ضربه شلاق بزنید و دلتان هم به رحم نیاید. این می شود قانون کیفری!

حالا می رویم در مسئله حجاب. آیه ۵۹ و ۶۰ سوره احزاب را که برایتان خواندم. اول از همسران خودش بعد دختران خودش بعد زنان مؤمنین. اینجا عرض کنم که یک شبهه بیخودی هم امروزه مطرح می کنند که نساء المؤمنین یعنی فقط زن های آدم خوب ها. نخیر. کلمه مؤمن در قرآن بارها درباره ی کل مسلمانان (نه فقط مسلمانان خیلی مقید) به کار رفته است. مثلاً: وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا این مؤمنینی که با هم می جنگند هر دو طرف مؤمنند (به معنای مسلمان خیلی مقید)؟ نه. مؤمنین یعنی مسلمانان. نساء المؤمنین یعنی زنان مسلمانان. می فرماید به این ها بگو برای حفظ کرامت خودشان و اینکه کمتر اذیت شوند، حجاب داشته باشند. بعد آیه ی بعدی را دقت کن.

مجازات کیفری برای سه گروه خاص

لَيْنَ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا تَقِفُوا أُجِدُوا وَقَتِلُوا تَقْتِيلًا آیه چه می گوید؟

آیه اول فرمود به دختران خودت، به زن خودت بگو. از دختر پیامبر کریم تر کسی را سراغ دارید؟ مجلس حضرت فاطمه زهرا(س) است. اول از این ها شروع کن. اول به دختر خودت، به زن خودت بگو بعد به زنان مسلمانان بگو که حجاب را رعایت کنید. این برای شما بهتر است. کریمانه صحبت کن، برای شما بهتر است که به کرامت شناخته بشوید، به عفت شناخته بشوید، به حیا شناخته بشوید که کمتر اذیت شوید. بعد آیا آیه ی بعدی می گوید اگر کسی حجاب را رعایت نکرد بگیر و او را بزن؟ خیر:

لَيْنَ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا تَقِفُوا أُجِدُوا وَقَتِلُوا تَقْتِيلًا. سه گروه را ذکر می کند:

۱- منافقین. منافقین چه ربطی به کسانی که حجاب را رعایت نکردند دارد؟ کسی که حجاب را رعایت نکرده، حتما منافق است؟ نه، منافقین در صدر اسلام معلوم بودند چه کسانی بودند.

۲- دسته‌ی دوم الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ. بروید تفسیر مجمع‌البیان را نگاه کنید. می‌گوید منظور آن مردانی است که خانم‌ها را اذیت می‌کردند که آیه نازل شد که حجاب کنید تا مورد اذیت واقع نشوید؛ مردانی که مزاحم خانم‌ها می‌شوند.

۳- مُرَجِفُونَ، مُرَجِفُونَ می‌دانی یعنی چه؟ ما می‌گوییم اراجیف می‌بافد. به تعبیر امروزی رسانه‌های سلبریتی‌ها، آنهایی که چرت و پرت می‌گویند، البته نه همه‌ی سلبریتی‌ها، بعضی هایشان. آنهایی که با اراجیف‌بافی، اغتشاش ایجاد می‌کنند، فضا را مبهم می‌کنند.

بعد از این که لزوم حجاب را در آیه قبل بیان می‌کند، در این آیه می‌فرماید برو سراغ سه دسته. این سه دسته را اول تهدیدکن. توی پیامبر(ص) را علیه آنها می‌شورانیم. سپس خیلی جرأت نمی‌کنند دور و بر تو بمانند، تبعید می‌شوند و از شهر بیرون می‌روند. بعد می‌فرماید: مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثُقُفُوا أُخْذُوا وَقُتِلُوا نَقْتِيلًا می‌فرماید هر جا پیدایشان کردید بکشید. چه کسانی را؟ آنهایی که دارند آشوب می‌کنند، آنهایی که دارند با سازماندهی‌های پشت پرده، اغتشاش می‌کنند.

می‌گوید منافقین را مواظب باش، اراجیف‌گوها را مواظب باش. الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ که تفسیر مجمع‌البیان را نگاه کنید می‌گوید آن مردانی را که مزاحمت ایجاد می‌کردند مواظب باش.

ما به خانم‌ها گفتیم حجاب داشته باشند، تو برو آن آقایانی که از این کارهایشان دست برنمی‌دارند، حالشان را بگیر. قوانین کیفری برای این‌ها بگذار، هیچ اشکالی ندارد. عرف بین‌الملل هم با شما همراهی می‌کند، می‌دانید مزاحمت برای خانم‌ها در عرف بین‌الملل قانون دارد. در فرانسه و خیلی کشور های دیگر. آیا اگر اینجا قانون کیفری گذاشتید اشکال دارد؟ کسی هست با شما مخالفت کند؟
خب حاج‌آقا اینطور که شما می‌گویید باید با این بی‌حجاب‌ها چه کار کنیم؟

فرهنگ‌سازی قوانین مدنی

پاسخ من این است: قانون مدنی را چطور پیاده می‌کنند؟ قانون مدنی را در فضای اجتماعی، فرهنگ‌سازی می‌کنند. من می‌ترسم کلمه فرهنگ‌سازی را بگویم. میدانی چرا؟ چون در کشور ما هر وقت می‌خواهند کاری انجام ندهند می‌گویند فرهنگ‌سازی! آخر فرهنگ‌سازی متد دارد، روش دارد، کار دارد، زمان دارد، برنامه‌ریزی دارد. یک مثال ساده بزنم. چند وقت پیش، یک بحثی داشتم، یک سخنرانی داشتم. عنوان سخنرانی ام "مسئله‌ی حجاب و صنعت پروپاگاندا" بود. می‌گویی کار فرهنگی، حتماً ۱۰ ساله‌ست ۲۰ ساله‌ست، نخیر! صنعت پروپاگاندا در غرب به ما نشان داد کار فرهنگی دو ماهه هم می‌شود. نمی‌خواهم بگویم آن کار را بکنید؛ می‌خواهم بگویم کسانی که تصورشان از کار فرهنگی، کار دراز مدت است، ببینند در کوتاه مدت هم می‌شود. با صنعت پروپاگاندا کاری می‌کنند آدمی که اصلاً محبوبیت ندارد، در انتخابات نفر اول بشود؟ می‌کنند یا نمی‌کنند؟ با صنعت پروپاگاندا یک کاری می‌کنند یک مدی که اصلاً حال آدم از آن به هم می‌خورد، ظرف یک ماه تبدیل به لباسی می‌شود که همه می‌دوند آن را گرانتر می‌خرند؟ کار فرهنگی است دیگر! پس در فضای فرهنگ می‌شود؛ نمی‌خواهم بگویم این کار را بکنید، از صنعت پروپاگاندا استفاده کنید؛ ولی می‌خواهم بگویم حداقل این مسئله را برای ما حل کرد که کار فرهنگی صرفاً درازمدت نیست! کار فرهنگی باید دست متخصص برود. همانگونه که اقتصاد باید دست متخصص برود. شما اقتصاد را دست قوه‌قضائیه بده مشکلش را حل کند، بین می‌تواند حل بکند؟! نمی‌تواند حل کند. فرهنگ را هم به دست قوه‌قضائیه بده ببین می‌تواند مشکلش را حل کند؟ خب نمی‌تواند حل کند دیگر! خب به متخصص فرهنگ بده. امروز متخصص فرهنگ چه کسی است؟ هرکس بیشتر جانماز آب بکشد، متخصص فرهنگی شده است! این که متخصص نیست. متخصص بلد است، برنامه می‌دهد، برنامه که به تو می‌دهد زمان می‌دهد، زمانی که می‌دهد باید

فاز به فاز جلو برود. در اقتصاد مگر غیر از این است؟ بعد وزیر اقتصاد برنامه اش را آورد نتوانست جلو ببرد، مجلس، او را استیضاح می‌کند. می‌گوید برو کنار کس دیگری بیاید که بلد است.

مهم‌ترین کار فرهنگی در این عرصه چیست؟

امر به معروف و نهی از منکر

بگذار از رهبر معظم انقلاب برای بخوانم، این را سال ۷۲ گفته اند، اگر سال ۷۲ این کار را کرده بودیم، مشکل‌مان تمام بود. تحلیل من این است که مهم‌ترین روش استقرار حقوق مدنی در جامعه، فعال کردن ابزار امر به معروف و نهی از منکر اجتماعی است. توجه کنید، تا می‌گویم امر به معروف و نهی از منکر دوباره ذهن‌ها جای اشتباه می‌رود.

امر به معروف صحیح

شرط اول امر به معروف و نهی از منکر، حفظ کرامت مخاطب است. شهید مطهری آیه‌ی امر به معروف و نهی از منکر را در کتاب ده گفتار توضیح می‌دهد. وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

می‌گوید اولین شرط امر به معروف و نهی از منکر، برقراری رابطه‌ی ولایی است. ولایت یعنی دوستی. اصل ولایت یعنی یک احساس سرپرستی که با دوستی توأم است. می‌گویند ولی بچه را بباور مدرسه؛ ولی کیست؟ ولی آن پدر و مادری است که درست است سرپرستی آن بچه را می‌کند اما نه در فضای کتک زدن، نه در فضای قانون، بلکه در فضای محبت و دوستی. این ولی ممکن است از هر صدمبار یک بار مجبور شود یک دادی هم سر بچه اش بزند اما ولی‌ای که ولی خوب است، خیلی کم پیش می‌آید داد بزند. می‌گوید مؤمنون و مؤمنات اولیای هم هستند، باهم رابطه‌ی ولایی و دوستی دارند، محبت دارند، از روی دلسوزی سراغ آن یکی می‌رود. اگر از روی دلسوزی رفتی، امر به معروف و نهی از منکر چگونه می‌شود؟ [آیا می‌گویی:] آئی فلان فلان شده چرا اینجور کردی؟! من چند شب قبل گفتم، دوباره مثال میزنم. میخواهی یک خانم غریبه را نهی از منکر کنی، در نظر بگیر خواهر خودت است. دخترخاله‌ی خودت، دخترعموی خودت است. همین مسئله‌ی حجاب را بخواهی به دخترخاله‌ی خودت هم بگویی، با چه لحنی می‌گویی؟ البته برخی افراد هستند کلا با همه تند هستند، من با آنها کاری ندارم، فضای عمومی جامعه را می‌خواهم بگویم. دلت میخواهد این باحجاب بشود دیگر، دلت نمی‌خواهد این روسری سرش باشد؟! دلت می‌خواهد باحجاب بشود؛ چطور نهی از منکر میکنی؟ شرط اولش حفظ کرامت مخاطب است، با احترام، با مدارا. تو چقدر خوبی، تو چقدر کریمی، تو چقدر بزرگی، تو چقدر انسانی، خانم بی‌حجاب تو چقدر انسانی، حیف نیست؟ تو که اینقدر انسانی، اینقدر بزرگی، حیف نیست سرمایه‌ی جنسی ات در اختیار دیگران قرار بگیرد؟ تو که اینقدر خوبی، حیف نیست افراد ناباب نگاهت کنند؟ تو که می‌خواهی خودت را نشان بدهی می‌خواهی چه کسی تو را ببیند؟ آیا نشان دادن خود لزوماً بد است؟ نه لزوماً، در زیارت امین‌الله می‌خوانی، می‌گویی خدایا اللّهم اجعلنی راضیهً بقضائک محبوبهً فی ارضک وسمانک خدایا من دلم می‌خواهد در زمین و آسمان من را دوست داشته باشند، دقت کنید در زمین هم مرا دوست داشته باشند نه فقط در آسمان. اما من را چه کسی دوست داشته باشد؟ آدم خوب‌ها یا آدم بد‌ها؟ شهوت‌ران‌ها تو را دوست داشته باشند یا هنرمند‌ها؟ خانم یا آقا فرقی نمی‌کند، اثر هنری راکه به میدان می‌آورد، با هنرش که خودش را نشان می‌دهد محبوب می‌شود. اثر هنری را چه کسی خوشش می‌آید؟ آدمی که اهل هنر و زیبایی است، اما اندام جنسی را چه کسی خوشش می‌آید؟ کسی که حیا دارد نگاه نمی‌کند، کسی که بی‌حیاست خوشش می‌آید. دلت می‌خواهد محبوب بی‌حیاها بشوی؟ حیف نیست تو به این خوبی، تو به این عیفی. نمی‌گویم همه شان، اما خیلی از افرادی که بی‌حجابند عیفند مخصوصاً در ایران. عفت در ایران خیلی پایه‌دار است.

ببینید همین الان که اوضاع به هم ریخته، همین الان که هر کسی آزاد شده، چند درصد کامل روسری را برمی‌دارند؟ چقدر کم است، بخاطر این که مردم ما، معنای هویتی حجاب را فهمیدند، شما هم فهمیدی یعنی می‌دانی یک تکه پارچه هم رو سر باشد، نماد هویتی باقی مانده. این هم یک چیزی است برای خودش. خب تو که هویت را می‌فهمی حالا بیا سرمایه جنسی را هم بفهم، کم کم این را هم بفهم.

وظیفه ستاد امر به معروف و نهی از منکر

حالا صحبت حضرت آقا را می‌خوانم؛ خطاب به ستاد امر به معروف و نهی از منکر در سال ۷۲، آن موقع رئیس ستاد امر به معروف و نهی از منکر، آقای جنتی بود. جمله را ببینید، آخرش هم خودش می‌گوید به حرف من گوش نمی‌دهید.

« شما نباید «ستاد امر به معروف و نهی از منکر» باشید. باید «ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر» باشید. «ستاد امر به معروف»، یعنی این که امر به معروف در مملکت، یک جا، کار ستادی رویش می‌شود! مگر می‌شود شما چنین کاری بکنید؟! امر به معروف، مال همه‌ی مردم است. مگر می‌شود یک ستاد ده نفره بنشینند و سازماندهی ستادی امر به معروف در سطح کشور را بکنند؟! این که اصلاً امکان ندارد. شما باید یک کار دیگر را به عهده بگیرید. نخواهید مباحثاً، امر به معروف و نهی از منکر کنید. شما باید امر به معروف را در جامعه، احیا کنید. این، آن چیزی است که من خواسته‌ام. بارها و مکرراً گفته‌ام و متأسفانه، این حرف به گوش افراد هم نمی‌رود. «مباحثاً یعنی ورود مستقیم. یعنی ستاد امر به معروف نباید مستقیماً ورود کند. یعنی همان قانون مدنی.

موضع سوزنچی در حوزه‌ی حجاب هیچ وقت عوض نشده است. از سال ۹۴ نوشتم. در مناظره ای که با مهدی نصیری داشتم، همه آن طرف را دیدند هیچ کس ندید این بنده‌ی خدا که صداوسیما آمد برای دفاع از حجاب، چه گفت؟ همان جا این حرف‌ها را زدم. گفتم حجاب قانون کیفری نیست، قانون مدنی است. در همان مناظره به آقای مهدی نصیری گفتم اشتباه می‌گویی حجاب اجباری. من حجاب اجباری قبول ندارم، حجاب قانونی قبول دارم. همه‌ی این‌ها را قبلاً گفتم. موضع من عوض نشده. واقعا می‌شود مردم ما حجاب بگذارند اگر ما درست رفتار کنیم.

آقا! احیای امر به معروف بکن. به افراد یاد بده نهی از منکر کنند. من در جمع خانم‌ها بودم، داشتم با آن‌ها صحبت می‌کردم. گفتند آقا الان دیگر نمی‌شود نهی از منکر کرد. گفتم یک عده سازماندهی شده‌ها را نمی‌شود کاری کرد، آدم را می‌زنند. فعلاً تنهایی کاری نکنید. اما دسته جمعی می‌توانید. گفتم ببین با یک ادبیات نرم و مهربانانه یک شکلات جیبت بگذار، گل دستت بگیر. یک خانم بی حجاب که می‌بینی یک هدیه به او بده، بگو خانم تو خیلی خوبی، خیلی دوستت دارم، حیف نیست اینجور به خیابون آمدی؟ بگو و رد شو. خود مقام معظم رهبری این توصیه را کرده، گفته در نهی از منکر تذکر لسانی بده و رد شو. پوشید پوشید، نپوشید هم نپوشید، کاری نداشته باش.

قانون مدنی یعنی چه؟ یعنی قانون حجاب را کلاً بیخیال بشویم؟ نه. راه دارد. برای خود افراد یک کار هایی وجود دارد، وزارتخانه‌ها باید کار هایی بکنند. وزارت فرهنگ باید کاری بکند.

dress code را جست‌وجو کن، در کل جهان وجود دارد. اگر در ویکی‌پدیا خواندی انگلیسی اش را بخوان. فارسی اش (با عنوان دستورالعمل‌های پوشش)، خیلی ضعیف است، اطلاعات نمی‌دهد. اگر انگلیسی بلد نیستی با کروم باز کن، کلیک راست کن بزن ترجمه، ترجمه فارسی. برو بخوان. بین dress code در جهان چیست. قانون حجاب در کشورهای مختلف در فضای حقوق مدنی

است. قوانین آمریکا را مفصل آورده است. یعنی می‌شود قانون داشت. همه جای جهان هم دارد. قانون مدنی را بفهم که چطور باید برخورد کنی. اینطور کار کن مردم هم علیه تو موضع نمی‌گیرند.